



نقشه ایران برای میدان

قالیباف: برای رو کردن کارت‌های جدید در
میدان نبرد آماده‌ایم

اظهارات اخیر محمد باقر قالیباف درباره «آمادگی برای رو کردن کارت‌های جدید در میدان نبرد» در ادامه ادبیات سیاسی-امنیتی چند سال اخیر قابل تحلیل است. این نوع بیان معمولاً در چارچوب پیام‌های بازدارنده و نشان دادن سطح آمادگی کشور در برابر سناریوهای احتمالی تنش منطقه‌ای مطرح می‌شود و بیشتر جنبه سیاسی-استراتژیک دارد تا اعلام یک اقدام عملی فوری.

عبارت «نقشه ایران برای میدان» نیز در چنین فضایی می‌تواند اشارهای به وجود برنامه‌ریزی‌های چندلایه در حوزه‌های دفاعی، امنیتی و حتی دیپلماسی منطقه‌ای باشد؛ یعنی ترکیبی از ابزارهای مختلف که در صورت تغییر شرایط می‌تواند فعال شود. در ادبیات سیاسی، استفاده از واژه «کارت‌های جدید» معمولاً به ظرفیت‌های پنهان یا کمتر آشکارشده‌ای اشاره دارد که در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آماده‌پاسخ



سرلشکر علی عبداللہی، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا به مناسبت فرارسیدن دوم اردیبهشت سالروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاکید کرد: ملت قهرمان ایران، امروز به اقتدار، آمادگی و توانمندی‌های همه جانبه راهبردی سپاه و سایر نیروهای مدافعان وطن که با ضربات مهلک و ویرانگر موشکی و پهپادی دشمن صهیونی و آمریکای تروریست را به استیصال و فرسودگی کشانده و مجبور به درخواست عاجزانه آتش بس واداشته، می‌بالد.

وی ادامه داد: مردم ایران با حضور پرشور و گسترده در میداين و خیابان‌ها، پشتیبانی از نیروهای مسلح را رها نکرده‌اند.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا بیان کرد: نیروهای مسلح شجاع ایران، همراه با دولت و ملت شریف و شگفتی‌ساز ایران، متحد و یکپارچه در تبعیت کامل از تدابیر فرمانده معظم کل قوا مہمہای پاسخ‌های قاطعانه، تعیین کننده و آتی به تهدیدات و اقدامات دشمن هستند.

سرلشکر عبداللہی گفت: نیروهای مسلح با دست بالا و برتر، اجازه سوء استفاده و روایت‌سازی های غلط و دروغ از وضعیت میدان در شرایط سکوت در نبرد نظامی به ویژه در مدیریت و کنترل تنگه هرمز را به رئیس جمهور کذاب و متوهم آمریکا نداده و به شایستگی پاسخ هر نقض عہدی را خواهند داد.

متن این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

فرارسیدن دوم اردیبهشت‌ماه سالروز تصویب اساسنامه سپاه در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ که در تقویم رسمی کشور به «روز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نام نهاده شده است؛ نقش‌آفرینی‌های حماسی، سرنوشت‌ساز و ماندگار این نهاد انقلابی و مردمی در پاسداری غیرمحافظه‌کارانه از دستاوردهای انقلاب و دفاع از استقلال، امنیت و تمامیت سرزمینی ایران عزیز را به آحاد فرماندهان، مدیران و کارکنان به‌ویژه فرماندهی کل سپاه، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

سرگذشت سپاه عزیز در تاریخ ۴۸ ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که با خلق صحنه‌ها و دستاوردهای شکوهمند و ممتاز در اجرای مأموریت‌های خطیر محوله، از خنثی‌سازی توطئه گروهک‌های ضد انقلاب و معاند تروریستی برای تجزیه کشور در ماه‌های آغازین تولد نظام اسلامی تا هشت سال دفاع مقدس برابر استکبار جهانی و رژیم بعثی صدام و سپس باطل‌سازی رویاهای شوم دشمنان در فتنه‌آفرینی‌های زنجیرهای و هم‌اینک در میدان «دفاع مقدس سوم»

۵



دردسر پرداخت‌های «زیرمیزی»

در صفحه ۸ بخوانید

خطای ادراکی ترامپ

در صفحه ۴ بخوانید



تلاش برای انحراف فائو

در صفحه ۵ بخوانید





تأکید عارف بر رفع مشکلات اقتصادی

■ محمد رضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور، در ادامه جلسات هماهنگی دولت برای مدیریت پیامدهای جنگ، به‌صورت جداگانه با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی و رؤسای سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان ملی استاندارد دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدارها، مسئولان دستگاه‌های مختلف گزارشی از خسارات وارده و برنامه‌های اجرایی خود ارائه کردند و معاون اول رئیس‌جمهور نیز بر هماهنگی بین نهادی و تسریع اقدامات تأکید کرد.

اولویت با بازسازی دانشگاه‌ها

در دیدار با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، حسین سیمایی صراف اعلام کرد ۳۲ مرکز علمی و دانشگاهی در کشور دچار آسیب شده‌اند که از میان آن‌ها دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه شهید بهشتی بیشترین خسارت را دیده‌اند.

عارف با تأکید بر ضرورت احیای سریع زیرساخت‌های علمی کشور گفت: دانشگاه‌ها باید در اولویت نخست بازسازی قرار گیرند، زیرا نقش مستقیم در تداوم ظرفیت علمی و فناوری کشور دارند.

وی همچنین بر ضرورت حمایت از اعضای هیأت علمی و جامعه دانشگاهی برای حفظ پایداری نظام آموزشی تأکید کرد.

ثبت دقیق خسارات محیط‌زیستی

در دیدار با رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، گزارشی از خسارات زیست‌محیطی ناشی از تخریب برخی صنایع، ابنیه و مناطق تحت مدیریت این سازمان و همچنین آسیب‌های ناشی از انفجار مخازن نفت ارائه شد.

برنامه‌های این سازمان در حوزه‌های پایش آلودگی هوا، حفاظت از منابع آب، مدیریت پسماندهای خطرناک و صیانت از تنوع زیستی نیز تشریح شد.

معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر ارتباط مستقیم خسارات زیست‌محیطی با سلامت عمومی گفت: ابعاد این خسارات باید با دقت ثبت و ارزیابی شود تا در فرآیند بازسازی مورد توجه کامل قرار گیرد.

وی افزود: حفاظت از منابع طبیعی و سلامت محیط‌زیست از اولویت‌های اصلی دولت است و همکاری همه دستگاه‌ها در این زمینه ضروری است.

استاندارد و ایمنی، خط قرمز بازسازی

در دیدار با رئیس سازمان ملی استاندارد، گزارشی از اقدامات این سازمان در حوزه نظارت بر کیفیت کالا‌های اساسی، کنترل کیفیت سوخت و انرژی، ارتقای ایمنی صنایع حساس و مقابله با تقلب کالا ارائه شد.

معاون اول رئیس‌جمهور با قدرانی از این اقدامات تأکید کرد: در فرآیند بازسازی، رعایت استانداردها و ایمنی خط قرمز دولت است و بدون نظارت دقیق، بازسازی پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود.

وی همچنین بر حمایت دولت از همکاری میان سازمان استاندارد، سازمان محیط‌زیست و ظرفیت‌های تخصصی بخش خصوصی تأکید کرد.

کاهش فشار اقتصادی بر مردم و کسب‌وکارها

در دیدار با وزیر امور اقتصادی و دارایی، گزارشی از اقدامات انجام‌شده در حوزه‌های مالیاتی، گمرکی و بانکی ارائه شد.

آماده برای پاسخ به نقص عهد دشمن



■ سرلشکر علی عبداللہی، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا به مناسبت فرا رسیدن دوم اردیبهشت سالروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد: ملت قهرمان ایران، امروز به اقتدار، آمادگی و توانمندی‌های همه جانبه راهبردی سپاه و سایر نیروهای مدافعان وطن که با ضربات مهلک و ویرانگر موشکی و پهپادی دشمن صهیونی و آمریکای تروریست را به استیصال و فرسودگی کشانده و مجبور به درخواست عاجزانه آتش بس واداشته، می‌باشد.

وی ادامه داد: مردم ایران با حضور پرشور و گسترده در میادین و خیابان‌ها، پشتیبانی از نیروهای مسلح را رها نکرده‌اند.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا بیان کرد: نیروهای مسلح شجاع ایران، همراه با دولت و ملت شریف و شگفتی‌ساز ایران، متحد و یکپارچه در تبعیت کامل از تدابیر فرمانده معظم کل قوا مہیای پاسخ‌های قاطعانه، تعیین کننده و آنی به تهدیدات و اقدامات دشمن هستند.

سرلشکر عبداللہی گفت: نیروهای مسلح با دست بالا و برتر، اجازه سوء استفاده و روایت‌سازی های غلط و دروغ از وضعیت میدان در شرایط سکوت در نبرد نظامی به ویژه در مدیریت و کنترل تنگه

هرمز را به رئیس‌جمهور کذاب و متوهم آمریکا نداده و به شایستگی پاسخ هر نقض عهدی را خواهند داد.

متن این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

فرارسیدن دوم اردیبهشت‌ماه سالروز تصویب اساسنامه سپاه در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ که در تقویم رسمی کشور به «روز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نام نهاده شده است: نقش‌آفرینی‌های حماسی، سرنوشت‌ساز و ماندگار این نهاد انقلابی و مردمی در پاسداری غیرمحافظه‌کارانه از دستاوردهای انقلاب و دفاع از استقلال، امنیت و تمامیت سرزمینی ایران عزیز را به آحاد فرماندهان، مدیران و کارکنان به‌ویژه فرماندهی کل سپاه، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

سرگذشت سپاه عزیز در تاریخ ۴۸ ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی



دیپلماسی در بن‌بستِ توهم

■ در حالی که نگاه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با نگرانی و دقت به خروجی نشست‌های دیپلماتیک دوخته شده، شواهد میدانی، مواضع علنی و اقدامات عملی ایالات متحده به وضوح نشان می‌دهد که واشنگتن همچنان در «هاریچ انکار» عمیقاً گرفتار است. عدم درک واقعیت‌های راهبردی نوین، اصرار بر مدل‌های شکست‌خورده فشار حداکثری و تلاش برای تبدیل مذاکره به ابزاری برای وقت‌کشی و بدعهدی‌های نظام‌مند، نه تنها مسیر صلح پایدار را مسدود کرده، بلکه کل فرآیند دیپلماتیک را به صحنه‌ای برای نمایش بکطرفه و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های تهاجمی تبدیل کرده است.

۱. توهم راهبردی: وقتی شکست در واقعیت به پیروزی در ذهن تعبیر می‌شود.

دور نخست مذاکرات اخیر، بیش از آنکه حامل کوچک‌ترین نشانه‌ای از حسن نیت یا واقع‌گرایی باشد، پرده از شکاف شناختی عمیق و ساختاری در بدنه سیاست خارجی آمریکا برداشت. تحلیل‌های دقیق میدانی و گزارش‌های اطلاعاتی متعدد حاکی از آن است که ایالات متحده در عرصه راهبردی با بن‌بست‌های چندلایه مواجه شده: با این حال، تیم مذاکره‌کننده این کشور با نادیده گرفتن کامل توازن قوای جدید منطقه‌ای و جهانی، همچنان با ادبیات «یاد‌خواهانه» و تحکمی دهدهای گذشته سخن می‌گوید.

این ناهماهنگی آشکار میان واقعیت‌های روی زمین (تغییرات اساسی در معادلات قدرت، تقویت بازدارندگی طرف مقابل و شکست پروژه‌های فشار یک‌جانبه) و مطالبات حداکثری پشت میز مذاکره، ریشه در عدم پذیرش هزینه‌های سنگین شکست‌های راهبردی واشنگتن دارد. کاخ سفید هنوز نتوانسته با واقعیت‌های نوین کنار بیاید و به جای بازنگری در دکترین خود، به دنبال امتیاز‌گیری رایگان از طریق فشار روانی و رسانه‌ای است. این توهم راهبردی را تنها اعتماد‌سازی را غیرممکن کرده، بلکه مذاکرات را به چرخه‌ای بی‌پایان از وعده‌های توخالی و عقب‌نشینی‌های تاکتیکی تبدیل کرده است.

۲. اهرم‌های فرسوده: محاصره دریایی به مثابه نقض آشکار آتش‌ریس و نمایش تبلیغاتی

یکی از چالش‌برانگیزترین و در عین حال بی‌اثرترین اقدامات اخیر واشنگتن، تلاش مذبح‌خانه برای احیای ابزارهای سخت‌افزاری قدیمی مانند محاصره دریایی و ایجاد اختلال در خطوط مواصلاتی است. این اقدام را می‌توان از دو منظر کلیدی و به‌هم‌پیوسته تحلیل کرد:

– نقض آشکار و سیستماتیک توافقات: هرگونه تحرک نظامی، اعزام ناوگان جنگی یا ایجاد محاصره تحت عنوان «فشار دیپلماتیک» نه تنها نقض مستقیم مفاد آتش‌ریس و تعهدات بین‌المللی است، بلکه مصداق بارز بدعهدی ساختاری به شمار می‌رود. این رفتار، سابقه‌ای طولانی در تاریخ دیپلماسی آمریکا دارد و نشان‌دهنده آن است که واشنگتن آتش‌ریس را صرفاً یک توقف موقت برای بازسازی اهرم‌های خود می‌بیند.

– اهرم‌سازی توخالی و نمایشی: این اهرم‌های فرسوده نشان می‌دهند که سیاست خارجی آمریکا هنوز در چارچوب «قدرت سخت» قدیمی اسیر مانده و قادر به درک تحولات عصر جدید که در آن قدرت نرم، بازدارندگی نامتقارن و اتحادهای منطقه‌ای حرف اول را می‌زنند نیست.

۳. مخاطرات امنیتی و سیاسی ادامه مذاکرات: از فریب تا تهدید جبران‌ناپذیر

در شرایطی که طرف آمریکایی با استراتژی دوگانه «فریب و فشار» وارد میدان شده، تداوم گفتگوها نه تنها فاقد هرگونه منفعت راهبردی برای منافع ملی است، بلکه می‌تواند تبعات امنیتی، سیاسی و راهبردی جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد: – امنیت تیم مذاکره‌کننده و فرآیند دیپلماتیک: سوابق متعدد واشنگتن در استفاده ابزاری از نشست‌ها، خروج ناگهانی از توافقات و حتی عملیات اطلاعاتی-امنیتی علیه طرف‌های مذاکره‌کننده، خطرات جدی و ملموسی را متوجه تیم‌های اعزامی می‌کند. مذاکره در چنین فضای بیش از آنکه گفتگوی برابر باشد، به یک بازی پرتریسک تبدیل می‌شود که می‌تواند به آسیب‌های جبران‌ناپذیر منجر گردد.

– بدعهدی ساختاری و الگوی تکراری: تاریخ دیپلماسی آمریکا پر است از نمونه‌هایی که «امضا» را نه به عنوان تعهد حقوقی، بلکه به عنوان تاکتیکی موقت برای کسب زمان و اعمال فشار بیشتر تلقی کرده‌اند. از خروج یک‌جانبه از توافقات بین‌المللی گرفته تا نقض مکرر قطعنامه‌های سازمان ملل، الگوی ثابت واشنگتن «امضای موقت و نقض دائمی» است. ورود به مذاکره بدون تضمین‌های ملموس تغییر رفتار بنیادین، نتیجه‌ای جز بازگشت به نقطه صفر، تشدید تنش‌ها و بدعهدی‌های جدید نخواهد داشت. – مخاطره مشروعیت‌بخشی ناخواسته: ادامه مذاکرات بدون تغییر واقعی در رویکرد آمریکا به طور ناخواسته به واشنگتن مشروعیت دیپلماتیک می‌بخشد و به آن اجازه می‌دهد تا در عرصه جهانی خود را «طرف گفتگوی‌کننده» جلوه دهد، در حالی که در عمل همچنان سیاست فشار و تحریم را پیگیری می‌کند.

ایران مذاکره بدون تحقق پیش شرط‌ها را نمی‌پذیرد



ماست و به ناحق در بانک‌های کشورهای دیگر متوقف شده، قابل چانه‌زنی است. در این مورد نیز دچار خطا شدند و صادقانه عمل نکردند.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران دیگر تمایلی ندارد که صرفاً برای مذاکره، وارد گفتگو شود. ما مذاکره برای مذاکره نمی‌خواهیم، تا زمانی که پیش‌شرط‌هایی که اعلام کرده‌ایم محقق نشود، هیچ اتفاق جدیدی رخ نخواهد داد. اگر آن‌ها بخواهند حرف‌های جدیدی بزنند یا زیاده‌خواهی کنند، قطعاً جمهوری اسلامی ایران زیر بار نخواهد رفت. بنابراین، اساساً چنین مذاکراتی برای ما سودی ندارد. وی تأکید کرد: امروز ما در موضع اقتدار هستیم و این موضع به عنوان یک واقعیت روشن از سوی دنیا پذیرفته شده است. ما به مسیر خود ادامه خواهیم داد. اگر آمریکایی‌ها این واقعیت را بپذیرند، می‌توان مذاکرات را ادامه داد؛ اما اگر بخواهند با همین روند پیش بروند، جمهوری اسلامی ایران این مسیر را تکرار نخواهد کرد و صرفاً برای یک مذاکره بی‌هدف و بی‌نتیجه پای میز نخواهد رفت.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید کرد: طبق نظر همه صاحب‌نظران غربی و آمریکایی، هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که بگوید در این جنگ، آمریکایی‌ها یا رژیم صهیونیستی موفق شدند. بلکه همگان از موفقیت و توان ایران صحبت می‌کنند. به طور طبیعی، طرفی که در جنگ شکست خورده، یعنی طرف آمریکایی، باید رفتاری متفاوت در مذاکرات نشان دهد و بر اساس واقعیت‌ها صحبت کند. اما مشاهده کردیم که آن‌ها همچنان به منش گذشته خود پایبند بودند و به دنبال زیاده‌خواهی بودند؛ بنابراین، مذاکرات در آنجا نتیجه‌ای نداشت.

احمدی ادامه داد: آن‌ها تصور کردند که با محاصره دریایی می‌توانند فشار بیشتری به ما وارد کنند و اثر قدرت ایران در تنگه هرمز را کاهش دهند یا بی‌اثر کنند، اما در عمل مشخص شد که این اقدام هم به آن شکلی که انتظار داشتند، اثرگذار نبود. جمهوری اسلامی ایران با آن‌ها مقابله کرد و از سوی دیگر، سایر کشورهایی که نیازمند تردد در این تنگه هستند، حاضر نشدند در این بازی آمریکایی‌ها قرار بگیرند. حتی هم‌پیمانانشان نیز با آمریکا همراهی نکردند، زیرا آینده این اقدام را می‌دانستند و نمی‌خواستند شریک یک شکست باشند. بنابراین، از همان ابتدا مشخص بود که این محاصره دریایی نیز شکست خواهد خورد.

وی ادامه داد: آنان این روزها آتش‌ریس را نقض می‌کنند، زیرا قرار بود آتش‌ریس به‌طور کامل در تمامی جبهه‌هایی که متحد ایران هستند، یعنی جبهه مقاومت، اجرا شود. اما تلاش کردند لبنان را از این معادله جدا کنند. با این حال، جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که اگر آتش‌ریس تا زمان مشخصی اجرا نشود، حملات ادامه خواهد داشت. همین تهدید باعث شد که ترامپ، رژیم صهیونیستی را وادار به اجرای آتش‌ریس در لبنان کند. این موارد نمونه‌ای از رفتارهای متناقض آنان در جریان مذاکرات بود.

حقوق ایران قابل چانه‌زنی نیست

این نماینده مجلس گفت: مسئله دیگری که وجود دارد، پول‌های بلوکه‌شده ایران است. آنان تصور می‌کنند که حتی که متعلق به

■ حجت‌الاسلام وحید احمدی با اشاره به بدعهدی و زیاده‌خواهی‌های مکرر آمریکا در مذاکرات، اظهار کرد: اساساً ما هیچ پیشینه مثبتی نسبت به مذاکره با آمریکا نداریم.

وی متذکر شد: از ابتدای انقلاب اسلامی تا امروز، اتفاقات متعدد و متنوعی رخ داده است که آمریکایی‌ها به شیوه‌های مختلف به ایران متوسل شدند و در پی حل مشکلاتشان بودند، اما هرگز به هیچ یک از وعده‌های خود عمل نکردند و در رفتار و عملکردشان صداقت نداشتند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: با وجود این، جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن منطق قوی و تمایل همیشگی به حفظ منافع و امنیت ملی خود، گاهی در شرایطی که فرصتی فراهم می‌شود و با وجود پیشینه و بدعهدی‌های آمریکا، حاضر به انجام مذاکره شده است.

التماس آمریکا برای پذیرش آتش‌ریس از سوی ایران

عضو مجمع نمایندگان استان کرمانشاه در مجلس یادآور شد: سالی گذشته، دو مرحله مذاکره انجام شد، اما آن‌ها در میانه مذاکرات عملاً میز مذاکرات را به‌همان کردند و جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند. البته هر بار که جنگ را شروع کردند، چه در جنگ ۱۲ روزه و چه در این جنگ، به التماس افتادند و به دنبال واسطه‌ها رفتند تا ایران آتش‌ریس را بپذیرد.

احمدی بیان کرد: البته جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌یک از آن موارد اعتنایی نکرد و پاسخی نداد. در نهایت، با اصرار فراوان در این رابطه، جمهوری اسلامی ایران شرایطی را مطرح کرد که اگر تحت این شرایط حاضر به مذاکره باشند، ما آماد‌ایم آتش‌ریس را بپذیریم. آن‌ها شرایط ما را بپذیرفتند و به‌طور رسمی نیز اعلام کردند.

وی تصریح کرد: در دور اول مذاکرات اسلام‌آباد که واسطه پاکستانی‌ها بودند، متأسفانه طرف آمریکایی نتوانست منش استکباری و روش غلط گذشته‌اش را که شامل زیاده‌خواهی و قلدری بود، کنار بگذارد. آن‌ها همچنان به دنبال همان روال گذشته بودند؛ روالی که هیچ‌گاه در مذاکرات برای ما نفعی نداشت.

آمریکا با وجود شکست در مقابل ایران مدام زیاده‌خواهی می‌کند

چرا «نهاد علم» به میدان منازعه بدل شده است؟



تدریس می‌کند، وجود دارد؟».

توکلی معتقد است که تصور «مصونیت مطلق برای دانشگاهیان» در حالی که تمام اقشار جامعه در حال هزینه دادن برای استقلال کشور هستند، با شأن و جایگاه نخبگی سازگار نیست. وی با ابراز شرمساری از برخی بیانییهایی که بوی خودتحقیری یا انفعال می‌دهند، تأکید می‌کند که جامعه علمی باید کنار مردم بایستد و خود را جدا از سرآغاز و سرنجام این ملت نداند. از منظر وی، علم نباید به ابزاری برای فرار از مسئولیت‌های ملی بدل شود.

این مورخ و پژوهشگر با استناد به سیره دانشمندان بزرگی چون ابن‌سینا، بر این واقعیت پای می‌فشارد که «تولید علم» بدون حمایت منابع قدرت و امنیت حاصل از اقتدار سیاسی ممکن نیست. وی یادآوری می‌کند که هزینه‌های تحصیل یک دانشجوی دکتری، از رنج کارگرانی تأمین می‌شود که در گرمای خلیج فارس نفت استخراج می‌کنند یا در صنایع سخت مشغول به کارند، بنابراین، دانشگاهیان در قبال امنیت و اقتصاد فراهم‌آورنده این فرصت‌ها، مسئولیت اخلاقی و میهنی دارند.

ایشان مفهوم «دانش استراتژیک» را مطرح می‌کنند؛ دانشی که از جمع تخصص‌های مختلف در جهت صیانت از مرزها و هویت ملی شکل می‌گیرد. توکلی معتقد است اگر نادرشاه یا شاه‌اسماعیل توانستند ایران را از فروپاشی نجات دهند، بدلیل بهره‌گیری از همین دانش راهبردی در سازماندهی منابع بود، امروز نیز دانشگاه نباید در برج عاج خود بنشیند و نسبت به فشارهای بین‌المللی و تهدیدات سخت دشمن بی‌تفاوت باشد.

■ تاریخ معاصر ایران گواهی می‌دهد که مراکز علمی و حوزه‌های معرفتی، هیچ‌گاه از گزند تهاجم و فشار در امان نبوده‌اند. از روزهای خونین ۱۶ آذر در دانشکده فنی تا یورش‌های وحشیانه به مدرسه فیضیه، نهاد علم همواره به‌عنوان «قلب تندبه استقلال‌خواهی» هدف کینه قدرت‌های سلطه‌گر قرار گرفته است، امروز نیز که بیش از ۳۰ مرکز آموزش عالی مورد تعرض قرار گرفته است و دهها تن از اساتید و دانشجویان به فیض شهادت نائل آمده‌اند، این پرسش بنیادین مطرح است؛ چرا دانشگاه و حوزه، بخشی از میدان منازعه دشمن هستند؟ دکتر یعقوب توکلی، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در واگویی این رخدادها معتقد است که حمله به مراکز علمی را نباید صرفاً یک کنش نظامی قلمداد کرد. وی با بازخوانی حافظه تاریخی ایران، به نخستین جرقه‌های این تقابل اشاره می‌کند. در سال ۱۳۳۲، زمانی که ریچارد نیکسون به‌عنوان نماد قدرت حامی کودتا قصد حضور در تهران را داشت، این دانشگاه تهران بود که سینه سپر کرد، شهادت سه دانشجوی دانشکده فنی، نخستین پیام صریح قدرت‌های جهانی به نهاد علم بود. «دانشگاه نباید در مسیر استقلال سیاسی گام بردارد».

توکلی با اشاره به وقایع سال ۱۳۴۰ و ۱۳۵۷، بر این نکته تأکید می‌ورزد که شدت خشونت علیه دانشگاهیان در دوران پهلوی به‌حدی بود که رؤسای وقت دانشگاه، آن را با «یورش مغول» مقایسه می‌کردند، اما این فشارها تنها محدود به دانشگاه نبود؛ حوزه‌های علمیه به‌عنوان دیگر کانون تولید اندیشه و هویت، همواره تحت شدیدترین بخشنامه‌ها و حملات قرار داشتند. از سیاست‌های رضاشاه در تبدیل مدارس علمیه به انبار کاه تا فاجعه دوم فروردین ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه، همگی نشان از یک راهبرد واحد دارند: «تخریب زیرساخت‌های معرفتی جامعه برای تسهیل سلطه خارجی».

در نگاه دکتر توکلی، ترور دانشمندان هسته‌ای و نخبگانی چون شهید فخری‌زاده، امتداد همان تفکر استعمارگری است که با «ظرفیت دانشی» ایران مسئله دارد. وی معتقد است وقتی دشمن به زیرساخت‌های تحقیقاتی حمله می‌کند یا دانشمندی را در خیابان‌های تهران ترور می‌کند، در واقع در حال بمباران «آینده» است. این حملات با چراغ سبز یا سکوت معنادار نهادهای بین‌المللی همراه می‌شود، زیرا آن‌ها به‌خوبی می‌دانند که اقتدار امروز ایران، محصول پیوند میان تخصص‌های علمی و نیازهای راهبردی است.

دکتر توکلی با تجلیل از نقش شهیدانی چون مسعود علی‌محمدی و مجید شهریاری، خاطر‌نشان می‌کند که این دانشمندان، مجاهدان خلمدمی بودند که دانش را از حصار تئوریک خارج کرده به خدمت «عزت ملی» درآوردند، ازین‌رو، ترور آن‌ها یک عملیات نظامی ساده نیست، بلکه تلاشی برای انسداد مسیرهای پیشرفت تمدنی یک ملت است.

یکی از بخش‌های چالش‌برانگیز تحلیل دکتر توکلی، نقد مواضع برخی مدیران و اساتید دانشگاهی است که در لحظات بحرانی، خواستار جدایی ساحت دانشگاه از ساحت دفاع و امنیت می‌شوند، وی با صراحت می‌پرسد: «چه تفاوتی میان خون یک جوان دانشمند که در صنایع دفاعی مانع تعرض دشمن می‌شود با خون استادی که در دانشگاه



عبور از آرمان‌گرایی محض

■ در تاریخ اندیشه سیاسی ایران، کمتر شخصیتی را می‌توان یافت که همچون شیخ صلح‌الدین سعدی شیرازی، مفاهیم پیچیده حکمرانی را با تار و پود اخلاق و ادبیات چنان درآمیخته باشد که کلامش قرن‌ها نه تنها بر زبان توده مردم، بلکه بر میز خطابه سیاستمداران و اندیشمندان جاری بماند. سعدی تنها یک شاعر یا ادیب برجسته نیست؛ او را باید «سیاستمدارترین» ادیب تاریخ ایران دانست. او در دوران پراشوب مغول، زمانی که ایران میان تیغ تاتار و زوال اخلاقی گرفتار بود، نه به عزلت‌نشینی صوفیانه پناه برد و نه به تملق‌گویی درباری تن داد؛ بلکه به رویکردی «واقع‌گرا» و «اصلاح‌گراانه»، الگویی از جهانداری ارائه کرد که ریشه در خرد باستانی ایران و عدل اسلامی داشت.

تلافی سنت ایرانی و فقه اسلامی در نظامیه اندیشه سعدی برآمده از یک بستر تاریخی و آموزشی خاص است. او که در نظامیه بغداد، قلب تندبه دانش آن روزگار، تحصیل کرده بود، به خوبی با کلام اشعری و فقه شافعی آشنا شد. اما سعدی در بغداد متوقف نماند. سفرهای طولانی او به اقصای عالم اسلام، از شام و حجاز تا روم و هندوستان، از او یک «مربی علم‌الاجتماع» ساخت. او در بازگشت به شیراز، زمانی که این شهر تحت حاکمیت اتابکان زنگی تا حدی از گزند مستقیم مغولان در امان بود، تجربیات جهانی خود را در قالب «گلستان» و «بوستان» عرضه کرد.

در آثار او، بازتاب اندیشه ایرانی به وضوح دیده می‌شود. مفاهیمی چون «عز ایزدی»، «لزوم عدل برای دوام حکومت» و «پیوند دین و دولت» که از ارکان سیاست‌نامه‌های باستانی ایران بودند، در کلام سعدی بازآفرینی شدند. او حاکم را «سایه خدا» می‌نامید، اما بافاصله تأکید می‌کرد که این سایه زمانی مشروعیت دارد که بر سر ضعیفان گسترده شود. سعدی به جای بحث‌های انتزاعی درباره منشأ قدرت، بر «کارکرد قدرت» تمرکز داشت. برای او، مشروعیت نه صرفاً در نسب و نژاد، بلکه در «دادگری» و «رعیت‌نوازی» متبلور می‌شد.

واقع‌گرایی سیاسی: عبور از آرمان‌گرایی محض یکی از ویژگی‌های متمایز سعدی، «رئالیسم سیاسی» اوست. برخلاف بسیاری از فیلسوفان که به دنبال بنای یک «مدینه فاضله» غیرقابل دسترس بودند، سعدی با انسان واقعی سر و کار داشت. او می‌دانست که سیاست عرصه تضادهاست. از این رو، اندیشه او بر پایه «اعتدال» بنا شده است. او در «نصیحه‌الملوک» و باب اول بوستان، حاکم را به میانه‌روی دعوت می‌کند؛ نه آنچنان سخت‌گیر که مردم او را بگریزند و نه آنچنان سست که هیبت حکومت از بین برود.

این واقع‌گرایی باعث شده است که برخی در آثار او تناقض ببینند؛ یک جا از بخشش می‌گوید و جایی دیگر از سیاست و تنبیه. اما این تناقض نیست، بلکه «موقعیت‌مدنی» تفکر سعدی است. او معتقد بود تدبیر سیاسی باید متناسب با شرایط باشد. او به حاکمان توصیه می‌کرد که «دل مردم» را به دست آورند، چرا که قدرت واقعی نه در خزانه و لشکر، بلکه در رضایت عامه است. در منطق سعدی، رعیت ریشه است و سلطان درخت؛ و درخت هرچقدر هم که تنومند باشد، بدون ریشه پایدار نخواهد ماند.

عدالت اجتماعی و مفهوم «بنی‌آدم» سعدی را می‌توان یکی از نخستین نظریه‌پردازان «عدالت اجتماعی» در معنای وسیع کلمه دانست. نگاه او به انسان، نگاهی فراملی و فراقشری است. بیت مشهور «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند» که امروزه نماد صلح جهانی شده، تنها یک آرایه ادبی نیست، بلکه هسته مرکزی اندیشه اجتماعی اوست. او جامعه را یک اندامواره می‌بیند که فساد یا درد در یک بخش آن، کل پیکره را به مخاطره می‌اندازد.

در اندیشه او، فقر و بی‌عدالتی تنها یک معضل اخلاقی نیست، بلکه یک «تهدید امنیتی» برای حکومت است. او هشدار می‌دهد که آه مظلومان می‌تواند پایه‌های استوارترین کاخ‌ها را بلرزاند. سعدی با نقد تند صوفیان ریاکار، زاهدان بی‌عمل و حاکمان ستمگر، همواره در جبهه مردم و طبقات فرودست می‌ایستد. او بر این باور است که امنیت حاکم در گرو امنیت مالی و جانی مردم است.

مذهب روادر و گریز از قشری‌گری اگرچه سعدی تحصیل‌کرده مدارس نظامیه و پایبند به سنت‌های دینی بود، اما قرائت او از دین، قرائتی «سیاسی-اخلاقی» و به شدت «روادارانه» است. او دین را ابزاری برای تجسس در زندگی خصوصی مردم نمی‌خواست، بلکه آن را مبنایی برای تلطیف اخلاق عمومی و مهار قدرت حاکمان می‌دانست. در آثار او، مذهب با «انسان‌مداری» پیوند می‌خورد. او معتقد بود که بهترین عبادت، خدمت به خلق است: «طریقت به جز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دل نیست».

این رویکرد تسامح‌آمیز باعث شد که کلام او از مرزهای مذهبی و جغرافیایی فراتر رود. سعدی در عین حال که از خلفای راشدین و بزرگان دین سخن می‌گوید، از آموزه‌های حکیمان ایران باستان و تجربیات ملل دیگر نیز بهره می‌برد تا یک نظام اخلاقی جامع برای «زیست جمعی» ارائه دهد.

نقش‌پذیری مردم در میدان جنگ



واقعیت ایران مواجه خواهند شد. اما چرا آنچه خود داریم زیگانه تَمّنا کنیم؟ مطالعه نظریات غربی نقطه پایان نیست؛ بلکه نقطه آغاز تفکر اجتماعی اسلامی است. فهم بعثت مردم پس از شهادت رهبر انقلاب را می‌توان از پنجره اندیشه خود ایشان نگریست.

دیدگاه اجتماعی آیت الله خامنه‌ای مبتنی بر اصل توحید هم جنبه ایجابی و هم جنبه سلبی نظریه را پوشش می‌دهد. به عقیده ایشان توحید به معنای «حقی عبودیت غیر خداست» در این نگاه، عبودیت معنای گسترده دارد. هر اطاعتی بدون اذن الهی عبودیت آن شخص یا آن ساختار به حساب می‌آید.

■ علوم اجتماعی، برای فهم پدیده‌های اجتماعی سه مسیر اصلی، پیش روی ما گشوده است. مسیر اول، پارادایم پوزیتیویستی-کارکردگرایانه است. مکتب پوزیتیویستی، مسئولیت‌پذیری را برآمده از نظم ساختاری می‌داند که کنشگران را در چارچوب‌های ازپیش‌تعیین‌شده هدایت می‌کند. این دیدگاه که هدف اصلی علوم اجتماعی را حفظ تعادل و کارکرد صحیح جامعه مشخص کرده، کنش مسئولانه مردم در جنگ را صرفاً بازتولید کارکردهای نظام اجتماعی معرفی می‌کند.

در حقیقت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این پارادایم، به معنای «ایفای صحیح نقش‌های محوّل‌شده» از سوی ساختارها به افراد است. مردم، در این دیدگاه به عنوان «اجزای منفعل» در ساختار اجتماعی دیده می‌شوند.

به عکس این دیدگاه، کنش مردم، پس از شهادت رهبر انقلاب نه بر اساس فشار ساختار که مبتنی بر ایمانی درونی و پذیرش نقش در این موقعیت جدید به وجود آمد؛ درحالی که می‌توانست مسیر جنگ با عدم پذیرش نقش از طرف مردم مسیر دیگری را پیماید.

درنهایت این نقش‌آفرینی خودجوش، به یک تقسیم کار نانوشته بین مردم و نیروهای مسلح تبدیل شد که در مصرع «میدان یا تو خیابان یا ما» به یک گزاره پذیرفته‌شده و بین‌الذهانی درآمد.

برای تبیین انسجام اجتماعی مردم در این پارادایم با دوگانه انسجام مکانیکی و ارگانیکی مواجهیم. اگر انسجام مردمی را مکانیکی بدانیم، تکررات فرهنگی در تجمعات را نمی‌توان تبیین کرد؛ اگر آن را ارگانیکی بدانیم وجدان جمعی قوی حول محور ولایت را نمی‌توان ترسیم نمود. در پارادایم تفهیمی با وجود آنکه توجّه به فهم معانی کنش، دست پژوهشگر را در صورت‌بندی این پدیده، باز می‌گذارد؛ اما همچنان موتور مکتب تفهیمی نیز بر پلتفرم «خرد ابزاری» سوار است. این دیدگاه، کنش را از راه تفسیر شخصی افراد در موقعیت، تفسیر می‌کند.

مسئولیت‌پذیری در این چارچوب، از دل «معانی و فهم مشترک» یک فرهنگ برمی‌آید. این معنای مشترک را باید در انواع تیپ‌های وبر جانمایی کرد. کنش فرد فرد مردم، در تیپ «کنش عقلانی معطوف به هدف» او نمی‌گنجد؛ چون نه هدف و نه وسیله مبتنی بر خرد ابزاری، عاقلانه نیستند. دیوار انسانی بر پل‌ها و در کنار نیروگاه‌ها با وجود تهدید دشمن، تنها می‌تواند «کنشی عاطفی» یا حداکثر «کنشی معطوف به ارزش» تلقی شود.

پارادایم انتقادی، ضمن پذیرش اهمیت «معنا» پا را یک قدم فراتر می‌گذارد و معتقد است که صرفاً تفسیر کردن جامعه کافی نیست؛ بلکه باید آن را «نقد» کرد. این نگاه، جامعه را یک «میدان نبرد» می‌بیند.

مسئولیت‌پذیری در این دیدگاه، یک تمهد رهایی‌بخش است. مردم با آگاهی از سلطه‌ی دشمن و به منظور «رهای از سلطه»، مسئولیت دفاع را بر عهده می‌گیرند. این دیدگاه، مشارکت در جنگ را کنشی انقلابی و آگاهانه علیه نظام‌های سلطه می‌داند. با این وجود، این دیدگاه، فقط جنبه‌های سلبی را پوشش می‌دهد و فاقد طرح ایجابی برای تبیین معرفتی است که مردم را به کنشگری و داشته است.

تا اینجا مروری مختصر بر پارادایم‌های علوم اجتماعی مبتنی بر نظریه‌پردازان کلاسیک ناظر بر واقعیت امروز داشتیم. نظریه‌پردازان مدرن هم به دلیل تفکر بریده از دین با موانع مشابهی برای فهم

ایران با فشار و تهدید وارد مذاکره نمی‌شود



تداشته باشند.

از این منظر، سیاست فشار حداکثری ترامپ از ابتدا با یک تناقض روبروی مواجه بوده است. او تلاش می‌کرد با افزایش هزینه‌ها، ایران را به میز مذاکره بکشاند، اما همزمان شرایطی را ایجاد می‌کرد که از نگاه ایران، هرگونه مذاکره به معنای تسلیم تعبیر می‌شد. نتیجه چنین رویکردی، در پیشرفت در مذاکرات، بلکه قفل شدن کامل مسیر دیپلماتی بود.

نکته مهم دیگر، برداشت متفاوت دو طرف از مفهوم «فوریت» است. در الگوی ذهنی ترامپ، ایجاد حس اضطراب در طرف مقابل یک ابزار کلیدی است. این همان منطقی است که در معاملات تجاری نیز به کار می‌رود: اگر طرف مقابل احساس کند زمانش رو به پایان است، سریع‌تر امتیاز می‌دهد.

اما در مورد ایران، این فرض کاملاً برعکس عمل می‌کند. ایران، نه تنها از طولانی شدن روندها هراسی ندارد، بلکه در بسیاری از موارد، آن را به نفع خود می‌داند. گذر زمان می‌تواند معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر دهد، اتلاف‌ها را تصفیه کند و فشارها را فرسوده سازد. در چنین شرایطی، عجله برای رسیدن به توافق بیشتر به ضرر ایران تلقی می‌شود تا به نفع آن. به همین دلیل است که هرچه طرف آمریکایی بر ضرب‌الاجل‌ها و تهدیدها تأکید می‌کند، فاصله با تهران بیشتر می‌شود. این شکاف، تنها ناشی از اختلاف منافع نیست، بلکه ریشه در اختلاف «در ادراک از بازی» دارد. آمریکا تصور می‌کند در حال اعمال فشار برای رسیدن به یک توافق بهتر است، در حالی که ایران این رفتار را به عنوان نشانه‌ای از ضعف و بی‌ثباتی طرف مقابل می‌بیند. در نتیجه، نه تنها انتباه‌های برای امتیاز دادن شکل نمی‌گیرد، بلکه مقاومت تقویت می‌شود.

در چنین فضایی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود: آیا اساساً می‌توان با همان ابزارهایی که در سایر پرونده‌ها کارآمد بوده‌اند، با ایران نیز به نتیجه رسید؟ پاسخ، با توجه به تجربه‌های گذشته، چندان امیدوارکننده نیست.

دنی سیتربیویج، پژوهشگر موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل و افسر اطلاعاتی پیشین در یادداشتی تأکید کرده است که اگر قرار باشد سمیری برای کاهش تنش و رسیدن به تفاهم شکل بگیرد، باید مسیر ناگزیر از یک تغییر بنیادین در رویکرد است. نخستین گام، پذیرش این واقعیت است که ایران یک بازیگر «متعارف» به معنای کلاسیک آن نیست و به همان اندازه نیز به فشارهای غیرمتعارف، پاسخ‌های غیرمنطقی می‌دهد. گام دوم، کنار گذاشتن تصور «برد سریع» است. در پرونده ایران، هیچ راه‌حل فوری و نمایشی وجود ندارد. هرگونه پیشرفت، نیازمند زمان، صبر و تعامل مستمر است. دقیقاً همان عناصری که در رویکرد ترامپ کم‌رنگ یا غایب بوده است.

درک رفتار ایران در عرصه سیاست خارجی بدون فهم عمیق از پیوند میان فرهنگ، تاریخ و راهبرد، عملاً ناممکن است. اکبر ایی همان نقطه‌ای است که بسیاری از سیاست‌گذاران ایرانی به‌ویژه دوندان ترامپ در آن دچار خطای محاسباتی شده‌اند. فرض اصلی آن‌ها ساده است: افزایش فشار، بالا بردن هزینه‌ها و ائتلاف فوریت زمانی، طرف مقابل را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. این الگو شاید در بسیاری از پرونده‌های تجاری یا حتی برخی مباحثات سیاسی کارآمد بوده باشد، اما در قبال ایران نه تنها جواب نمی‌دهد، بلکه اغلب نتیجه‌ای معکوس تولید می‌کند.

مسئله فقط یک اختلاف تاکتیکی نیست؛ ب یک ناهماهنگی عمیق در سطح «درک از جهان» مواجهیم. ترامپ در تمام دوران فعالیت خود چه در تجارت و چه در سیاست بر یک الگوی مشخص تکیه کرده است: فشار حداکثری برای شکستن اراده طرف مقابل. در این چارچوب، «مان» یک سلاح است؛ هرچه فشار بیشتر و مهلت‌ها کوتاه‌تر شود، احتمال تسلیم طرف مقابل افزایش می‌یابد. این همان منطقی است که پشت بسیاری از تصمیمات او در قبال ایران قرار داشت: تحریم‌های سنگین، تهدیدهای علنی و نمایش‌های رسانه‌ای برای ایجاد حس فوریت. اما ایران اساساً در این بازی، با قواعد دیگری بازی می‌کند. در ذهنیت راهبردی ایران، «مان» نه یک محدودیت، بلکه یک دارایی است. مفهوم «صبر استراتژیک» که بارها در ادبیات رسمی و غیررسمی ایران تکرار شده بازتاب یک نگاه تاریخی است. کشور با سابقه‌ای چند هزار ساله که از دل بحران‌ها و فشارهای خارجی متعدد عبور کرده، به‌سادگی تحت تأثیر ابله‌های کوتاه‌مدت قرار نمی‌گیرد. در این چارچوب، هرچه طرف مقابل بی‌صبرتر شود، نشانه‌ای از موفقیت تلقی می‌شود، نه ضعف.

به بیان دیگر، آنچه واشنگتن «افزایش فشار» می‌نامد در تهران به‌عنوان «شناسه افراطگر طرف مقابل» تفسیر می‌شود. این مسئله وقتی با عنصر فرهنگی ترکیب می‌شود، ایجاد پیچیده‌تری پیدا می‌کند. در فرهنگ ایرانی، مذاکره که تعامل مبتنی بر احترام متقابل است، ادبیات، لحن و نحوه مواجهه طرف مقابل، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فضای گفت‌وگو دارد. تهدید و تحقیر نه‌تنها انگیزه‌ای برای امتیاز دادن ایجاد نمی‌کند، بلکه به‌طور مستقیم به مقاومت بیشتر منجر می‌شود.

در چنین بستری، وقتی رئیس‌جمهور آمریکا به‌طور علنی از «به زانو درآوردن» ایران سخن می‌گوید، یا از ادبیاتی استفاده می‌کند که بیشتر به فضای رقابت‌های تجاری شباهت دارد تا دیپلماسی، نتیجه قابل پیش‌بینی است: بسته شدن فضای مذاکره.

مسئله فقط این نیست که ایران زیر فشار مذاکره نمی‌کند، بلکه مهم‌تر از آن، این است که «مذاکره تحت فشار» را اساساً بی‌معنا می‌داند. از نگاه تهران، مذاکره زمانی معنا پیدا می‌کند که طرفین در موقعیتی نسبتاً برابر و با حفظ حداقلی از احترام متقابل وارد گفت‌وگو شوند. این نکته، یکی از کلیدی‌ترین تفاوت‌های ادراکی میان دو طرف است.

در واشنگتن، موفقیت اغلب با دستاوردهای قابل نمایش سنجیده می‌شود: یک توافق رسمی، یک امتیاز تاریخی، یا یک بیانیه مشترک. اما در تهران، تعریف موفقیت می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. استنادی در برابر قضا، حفظ خطوط قرمز و جلوگیری از تحمیل خواسته‌های طرف مقابل، خود بهانه‌ای به «پیروزی» محسوب می‌شود حتی اگر هیچ توافقی حاصل نشود. چرا که در فرهنگ ایرانی هر گونه توافقی باید با حفظ سه اصل عزت، حکمت و منلحت همراه باشد. در غیر این صورت امضای توافق در شرایط فشار هیچ دستاوردی برای مردم ایران به همراه نخواهد داشت. این تفاوت در تعریف موفقیت، باعث می‌شود که دو طرف حتی در صورت ورود به مذاکره، درک مشترکی از هدف نهایی

نقش آذربایجان در روابط ترکیه و ارمنستان

«آلن سیمونین» رئیس پارلمان ارمنستان، در اظهاراتی صریح اعلام کرد که تداوم مسدود ماندن مرزهای زمینی تاریخی میان ارمنستان و ترکیه، مستقیماً تحت تأثیر فشارهای فرایزاده، لابی‌گری‌های گسترده و نفوذ سیاسی جمهوری آذربایجان در سازمان حاکمیتی ترک قرار دارد. وی که در حاشیه نشست مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی الجاس (IAPD) در شهر استانبول با نمایندگان رسانه‌های ارمنستانی گفتگو می‌کرد، ضمن انتقاد از افعال انکارآمیزی مدعی شد که مقامات باکو با استفاده از هرماه‌های گوناگون، عملاً مانع از آن می‌شوند که دولت ترکیه وارد مذاکرات جدی، مستقل و سازنده با ایروان برای پایان دادن به دهه‌ها ناسندآمیزی مرزی شود.

سیمونیان با اشاره به رویکردهای متناقض باکو در این فرایند، دیپلماتیک به روزنامه «اگوس» گفت: «از یک سو، جمهوری آذربایجان در حال مذاکره مستقیم با ما است، اما از سوی دیگر، به ترکیه اجازه نمی‌دهد که با ما پای میز مذاکره بنشیند. این یک وضعیت بسیار عجیب و غیرمنطقی است، به نظر می‌رسد ترکیه در حصار این روابط گرفتار شده و عملاً به اسیر سیاست‌های باکو تبدیل شده است.»

بهانه‌تراشی‌های بی‌پایان برای فرار از توافق صلح

وقتی از رئیس پارلمان ارمنستان پرسیده شد که آیا آنکارا برای تعمیق گفتوگوها با ایروان، در انتظار مشخص شدن نتایج انتخابات پارلمان ارمنستان در ماه ژوئن است، وی ای را بی اطلاعاتی و تردید کرد. سیموئانیان در تشریح روند پرفراز و نشیب این مذاکرات و سمگنارای‌های مستمر گفت: «در ابتدا همواره ما به مقته می‌شد که مرزها زمان‌ها حل و فصل کامل مسئله قره‌باغ کوهستانی باز نخواهند شد. پس از مدتی، آن‌ها خوشان اعلام کردند که پرونده قره‌باغ بسته شده و این مسئله برای همیشه پایان یافته است. سپس، موضوع اعضای توافقنامه صلح جامع میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان را به عنوان پیش‌شرط جدید پیش کشیدند. ما در خصوص این توافقنامه وارد مذاکره شدیم؛ روندی بسیار دشوار، پیچیده و طولانی بود. اما در نهایت بر سر ۱۷ ماده اساسی به توافق رسیدیم، اعضای اولیه آن با یکدیگر دیدار کردیم، دست دادیم، اما باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد و کار به بن‌بست رسید.»

شایان ذکر است که ارمنستان و جمهوری آذربایجان پس از توافق بر سر متن اولیه در ماه مارس ۲۰۲۵، سرانجام در اگوست همان سال در واشنگتن، این توافقنامه صلح را به صورت ابتدایی امضا کردند. با این وجود، این سند دیپلماتیک همچنان به صورت نهایی امضا نشده باقی مانده است.

عمق ناشناخته جنگ آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران

است نگرانی از بحران واقعی در دسترسی به هلیوم و قیمت آن را را تشدید کند.

این خطر در بخش پزشکی، بیشتر احساس می شود. بیمارستان ها برای رانندگی دستگاه های MRI به هیوم وابسته هستند. گرچه برخی از دستگاه های پیشرفته تر سعی در کاهش مصرف هیوم دارند، اما سیستم های سنتی همچنان بخشی عمده ای از ساختار جهانی را تشکیل می دهند. بر اساس گزارش های موجود انواع جدیدتر دستگاه های MRI، بین ۳۰۰ تا ۱۸۰۰ لیتر هیوم دارند، در حالی که مدل های قدیمی تر به حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ لیتر هیوم نیاز دارند. به این ترتیب رگونه اختلال در عرضه هیوم، نگهداری، جایگزینی و عملکرد این دستگاه ها را در میان مدت تهدید می کند.

اینگرانی در صنعت نیز احساس می شود. شرکت های تولید ریز تراشه ها به هیوم با خلوص بالا برای خنک سازی نیاز دارند. هیوم در بسیاری از این فرایندها جایگزین های مشابهی هم ندارد. با ظهور هوش مصنوعی و افزایش وابستگی به تراشه های پیشرفته، رگونه مانع در عرضه هیوم تولیدات صنایع هایتک را کند می کند و هزینه ها را افزایش می دهد و بر ذخیره های تأمین صنایع دیجیتال و پزشکی و ... فشار وارد کند.

الاجبار می‌افزاید که اگر جنگ افروزی آمریکایی صهیونیستی علیه ایران یک یا دو ماه دیگر ادامه یابد کمبود هلیوم به احتمال فراوان از مرحله «هشدار» وارد مرحله «تأثیر ملموس» خواهد شد. گزارش‌های اخیر از آغاز تأثیر کمبود هلیوم در زنجیره‌های تأمین فنی و افزایش قیمت هلیوم و فشار فزاینده بر مصرف‌کنندگان صنعتی خبر می‌دهد و در صورت طولانی شدن اختلال، بیمارستان‌ها هم‌کن است تا تأخیر از خدمات تصویربرداری مواجه شوند، و برخی کارخانه‌ها ممکن است مجبور به کاهش تولید یا بازنگری در قراردادهای شوند. نکته خطرناک‌تر اینکه بحران کمبود هلیوم ممکن است به نشانه‌ای اولیه از شکنندگی اقتصاد جهانی منجر شود. اگر یک گاز با این حجم از اهمیت بتواند به سرعت تحت تأثیر چین و آبراهه‌های دریایی قرار گیرد، این روند نشانه‌ی مهمی‌دهد که زنجیره‌های تأمین پزشکی و فناوری در جهان از انعطاف کمتر از حد تصور برخوردار هستند.

به این ترتیب جنگ آمریکایی صهیونیستی علیه ایران دیگر فقط یک مسئله منطقه‌ای نیست، بلکه عاملی است که می‌تواند همزمان اتاق‌های عمل، کارخانه‌های ریز تراشه، تولیدات هوش مصنوعی و

A portrait of a man with dark hair and a beard, wearing a white lab coat over a patterned vest. He is holding a small trophy or award in his hands. The background is a solid blue color.

تهاجم در مرحله خطرناک

■ به نقل از المسیره، رهبر جنبش انصار الله یمن به مناسبت سالگرد رونمایی از شعار «فریاد در مقابل مستکبران» سخنرانی کرد.

سید عبدالشمار بدرالدین الحوئی در این سخنرانی گفت:
انتخاب بارش فریاد در مقابل مستکبران را رهبر و بنیانگذار
انقلاب ما، شهید قرآن، سید حسین بدرالدین الحوئی (رضوان
الله علیه) اعلام کرد و این شعار را سر داد. فریاد را بر
مستکبران در سخنرانی او در مآذی امام هادی (ع) در منطقه
مران استان صمد در تاریخ ۴ ذی القعدة ۱۴۲۲ هجری قمری
مطابق با ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲ میلادی مطرح شد.

وی افزود: سالگرد فریاد، مناسبت مهمی به‌عنوان مرحله‌ای برای آگاهی بخشی و زنده داشتن این موضوع گریز بزرگ قرائن، فریاد حق در برابر طاغوت و استکبار است. فریاد در برابر مستکبران دارای ارزش انسانی و اهمیت عملی در یکی از مهمترین مقاطع تاریخ است. هجمت کفر و طاغوت، پرچم جاهلیت دیگر را بر دوش می کشد و از اجزای و اهداف تاریخی فراتر از پیشینیان نبوده شده در طول تاریخ برخورددار است.

الحوثی تصریح کرد: تهاجم صهیونیستی و آمریکایی علیه امت اسلامی ما در آغاز هزاره سوم وارد جرحه‌ای شیرینتر و بسیار خطرناک شده است. عناوینی مانند «تغییر خاورمیانه» و بهانه‌ای که «مبارزه با تروریسم» نامیده می‌شود و دیگر عناوین، همه عناوینی فریبنده و دروغ‌نویس بودند. وفاداری و اطاعت از دشمنان و همپیمانی با آنها، از زشت‌ترین جلوه‌های ارتداد و عقب‌نشینی از اصول بزرگ اسلام، ارزشها و اخلاقی کریمانه آن است. رهبر انصارالله ادامه داد: دشمنان با بهانه تراشی سعی در فریب مردم و توجیه جنایات خود علیه امت دارند. اما اگر امت را چارچوب اصول، ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام حرکت کند، پیروز، سربلند و سرفراز خواهد شد. دشمنان از ابتدای تحرکات خود تلاش کرده‌اند تا حالت تسلیم، ساکت کردن و سرکوب بر جایی را که با نقشه‌های آنها مقابله می‌کند، گسترش دهند. دشمنان در تلاشند تا وضعیت جهان عرب و اسلام را به جایی برسانند که هرگونه انتقادی از جنایات اسرائیل جرم تلقی شود. بدالدین اظهار داشت: ما به عنوان یک امت مسلمان، اساساً قربانی حملات رژیم صهیونیستی هستیم و این رژیم به دنبال نابودی ما، اشغال سرزمین‌های ما و هدف قرار دادن امان مقدس ما است. شمنان می‌خواهند امت ما کاملاً ساکت باشد و نتواند حتی یک کلمه نارضایتی، خصوصاً مخالفت با اقدامات آنها ابراز کند. دشمنان در واقع به سمت تلاش برای خاموش کردن صداهای وولگری از هرگونه صدای آزاد مخالف سلطه استبداد آمریکایی-اسرائیلی حرکت کرده‌اند.

وی تأکید کرد: اسرائیل هر نیم ساعت یک زن فلسطینی را با حمایت و سلاح آمریکا می‌کشد. حقوق بشر و حقوق زنان کجاست؟ صهیونیست‌ها و متحدانشان تلاش می‌کنند تا ناامیدی و روحیه شکست را در میان آن بازکنند و تبعیت کنند و ادعا می‌کنند که جهاد هیبت فایده‌ای ندارد.

الحوثی در بخش دیگری از سخنانش گفت: با وجود پایداری زیاد در نوار غزه، نیروهایی در داخل امت این پایداری کوچک جلوه می دهند و آن را تحقیر و تحریف می کنند. در مقابل تحریف و کوچک جلوه دادن عملیات محور مقاومت، تلاشی برای اغراق، چنجالی کردن و گسترش ترس به نفع تجار و آمریکایی-اسرائیلی نیز وجود دارد. رویکرد رسانه‌ای این رژیم‌ها در جهت ایجاد ناامیدی در امت است و با هرگونه موضع‌گیری قوی در مقابل دشمنان مقابله می‌کند. رسانه‌های وابسته به آمریکا و اسرائیل همیشه هر چیزی را از جانب دشمن بزرگنمایی و هر موضعی را که می‌تواند امید را زنده کند، تحریف می‌کنند.

رهبر جنبش انصارالله خاطرنشان کرد: صهیونیست‌ها به همراه آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و عوامل عرب منافق آنها تلاش می‌کنند تا امت را به پذیرش معادله میباح دستانه تهدید و دارند. میباح دستانه امت را از سوی دشمنان به جایی رسیده است که آیات قرآن را از برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌های دولتی ممنوع کرده‌اند. منافقان در میان رسیده‌اند که حرف تئانی‌های چنیتکار و امثال او در جایی صهیونیست‌ها، بالاتر از دستورات خدا و اصول اسلامی است. دشمنان می‌خواهند امت را به سطح کاملی به کرامت انسانی برسانند، سپس همه کسانی را که به این تجاوز اعتراض می‌کنند، سرزنش کنند. دشمنان تلاش می‌کنند تا سرزنش را به سمت کسانی که در برابر هرونگه تجاوز اسرائیل یا استبداد آمریکا واکنش نشان می‌دهند، معطوف کنند.

عبدالملک برادرالدین با اشاره به تحولات منطقه ادامه داد: با وجود حملات صهیونیست‌ها در لبنان در ۱۵ ماه گذشته، اما حزب الله مورد سرزنش و انتقاد قرار گرفته و مسئول پاسخگویی شناخته شده است. بوق ای رفیضه رسانه ای رژیم صهیونیستی در مقابل نسل کشی علیه مردم فلسطین سکوت می کنند، اما از هر گونه مقاومت در برابر صهیونیست ها انتقاد می کنند. نبرد طوفان الاقصی ساختی به جنایت و استبداد صهیونیست‌ها در طول هفت دهه بود. دشمنان در تلاشند تا در امت نفوذ کنند، آن را به زنجیر بکشند و از هرگونه واکنشی جلوگیری کنند و تمام عناصر قدرت را از آن بگیرند.

زیرساخت‌های حیاتی باید در اولویت تخصیص منابع باشند



زیرساخت‌هایی نظیر انرژی (برق، گاز، نفت)، آب، حمل‌ونقل و ارتباطات، نقش شریان‌های حیاتی را ایفا می‌کنند که حیات سایر بخش‌ها به عملکرد صحیح آن‌ها وابسته است. بنابراین، در منطق اقتصادی، تمرکز بر بازسازی این شریان‌ها پیش‌شرط احیای کل سیستم است. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با تکیه بر اصل «محدودیت منابع» به عنوان یک اصل بنیادین در علم اقتصاد، استراتژی خود را تشریح کرد: به نظر من، سیاست‌گذار و دولت باید داستان تخصیص منابع را اولویت‌بندی کنند. در لایه اول این اولویت‌بندی، باید بازسازی زیرساخت‌های اساسی قرار گیرد؛ چرا که الباقی صنایع به صورت مستقیم و غیرمستقیم از آن استفاده کرده و تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. این طبیعی است که وقتی بخش انرژی طی آسیب‌های جنگ متأثر می‌شود، تمام صنایع وابسته نیز با بحران مواجه شوند. وی در ادامه به نقد رویکردهای جایگزین پرداخت و تصریح کرد: حال اگر ما به جای بازسازی زیرساخت‌های اساسی، باییم و برنامه حمایتی برای صنایع وابسته تعریف کنیم، عملاً خروجی مؤثری حاصل نخواهد شد یا با کمترین بازدهی همراه خواهد بود.

به همین خاطر، اعتقاد من این است که بیشترین تلاش و تمرکز دولت و بخش سیاست‌گذاری بانک مرکزی، باید روی این لایه اول متمرکز شود. زیرا محدودیت منابع نیز این الزام را ایجاد می‌کند.

الگوی مشارکتی برای صنایع وابسته (لایه دوم حمایت) پس از تمرکز بر زیرساخت‌ها، نوبت به صنایعی می‌رسد که به طور مستقیم از این زیرساخت‌ها تغذیه می‌شوند.

با این حال، گستردگی و پراکندگی این صنایع به حدی است که دولت به تنهایی قادر به تأمین مالی و مدیریت بازسازی آن‌ها نخواهد بود. در این مرحله، استفاده از ظرفیت‌های ملی و مدل‌های تأمین مالی مشارکتی، راهگشا خواهد بود.

برخورداري ضمن تأکید بر اینکه تمرکز بر لایه اول به معنای نادیده گرفتن سایر لایه‌ها نیست، الگوی متفاوتی را برای لایه دوم پیشنهاد داد.

وی در ادامه با مطرح نمودن این پرسش که «آیا فقط باید به لایه

■ در بحبوحه آتش‌ریس ۲ هفته‌ای پس از یک جنگ تحمیلی ۴۰ روزه که زیرساخت‌های حیاتی کشور هدف حملات ایالات متحده و رژیم صهیونیستی قرار گرفت، کارشناسان اقتصادی به دنبال ارائه راهکارهایی برای عبور از این شرایط خطیر هستند. در همین راستا، اندیشکده پول و ارز در سلسله نشست‌های تخصصی خود با عنوان «سیاست‌گذاری اقتصادی در جنگ» در حال برگزاری است اینبار میزبان سجاد برخورداري دورباش سجاد برخورداري دورباش، اقتصاددان، متخصص اقتصاد پولی و مالی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران بود تا به تبیین اولویت‌های سیاست‌گذاری در این برهه حساس بپردازد.

در این نشست برخورداري یک استراتژی سه‌لایه برای تخصیص منابع کشور در شرایط کنونی ارائه داد و تأکید کرد که هرگونه حمایت از صنایع، بدون بازسازی شریان‌های حیاتی اقتصاد مانند انرژی، بی‌نتیجه خواهد ماند.

وی با اشاره به عمق آسیب‌های وارده به بخش‌های مختلف اقتصادی، بر پیچیدگی تصمیم‌گیری برای سیاست‌گذار تأکید کرد و نقشه راهی مبتنی بر اولویت‌بندی بازسازی‌ها ارائه نمود. اولویت‌بندی بازسازی؛ نخستین گام در اقتصاد پس از جنگ در شرایطی که اقتصاد ملی با شوک‌های متعدد ناشی از تخریب هدفمند زیرساخت‌ها مواجه است، تخصیص بهینه منابع محدود به یک اصل حیاتی تبدیل می‌شود. هرگونه تعلل یا خطای محاسباتی در این زمینه می‌تواند فرایند بازسازی را با چالش‌های جدی مواجه کرده و تبعات آن را به تمام لایه‌های اقتصادی و اجتماعی تسری دهد. در اینجااست که مفهوم «اولویت‌بندی استراتژیک» به عنوان سنگ بنای سیاست‌گذاری اقتصادی ظهور می‌کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در ابتدای سخنان خود با اشاره به این موضوع بیان داشت: در شرایط فعلی، پاسخ به این سوال که سیاست‌گذار باید چه کند، به این راحتی نیست که بتوانیم روی بخش خاصی متمرکز شویم. با توجه به آسیب‌هایی که به بخش‌های مختلف اقتصاد کشور وارد شده، اولین و اساسی‌ترین موضوع، اولویت‌بندی بازسازی‌ها است. در واقع، اگر قرار است تأمین منابع مالی، اعتبارات و برنامه‌های حمایتی به درستی انجام شود، باید بر اساس اهمیت و نقش هر بخش در کلیت اقتصاد صورت پذیرد. این اقتصاددان با هشدار نسبت به پیش‌بینی‌های نگران‌کننده از نرخ رشد اقتصادی، بر نقش حیاتی زیرساخت‌ها تأکید کرد و افزود: برخی از بخش‌های اقتصاد ما حالت زیرواستانی دارند و اگر در اولویت بازسازی قرار نگیرند، تبعات منفی آن کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال، فرض کنید زیرساخت گازی کشور دچار مشکل اساسی شده باشد؛ در این صورت، شما هر چقدر هم که از صنایع و زیرمجموعه‌های پایین‌دستی حمایت کنید، عملاً نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد، زیرا منبع اصلی تغذیه این صنایع آسیب جدی دیده است.

تخصیص منابع محدود به زیرساخت‌های حیاتی (لایه اول)

اقتصاد مدرن به مثابه یک شبکه پیچیده و درهم‌تنیده است که در آن، بخش‌های مختلف به یکدیگر وابسته‌اند. در این شبکه،



سیاست‌گذاری اقتصادی در جنگ

■ ایران در حالی وارد شرایط آتش‌ریس دو هفته‌ای شده است که اقتصاد کشور پس از پشت سر گذاشتن یک جنگ تحمیلی ۴۰ روزه (در امتداد نبرد ۱۲ روزه پیشین) با چالش‌هایی روبرو است. در این تقابل، زیرساخت‌های حیاتی، شریان‌های انرژی و قطب‌های صنعتی کشور به طور مستقیم مورد حملات مخرب آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. در همین راستا، سلسله نشست‌های تخصصی با عنوان «سیاست‌گذاری اقتصادی در جنگ» توسط اندیشکده پول و ارز در حال برگزاری است. حسین درودیان، اقتصاددان و عضو هیئت علمی پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد، در نشستی به تشریح دقیق و مفصل خسارات وارد شده به بخش تولید، صنعت، مسکن و اشتغال پرداخت.

تولید؛ نبض تپنده اقتصاد در دوران جنگ و صلح

در ادبیات اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی و حفظ جریان مستمر آن، اصلی‌ترین شاخص تابناوری یک کشور در برابر تکانه‌های خارجی است. در شرایط جنگی، حفظ این جریان از یک دستور کار اقتصادی به یک ضرورت امنیتی و بقا تبدیل می‌شود.

حسین درودیان با تأکید بر این اصل بنیادین، مباحث خود را این‌گونه آغاز کرد: عنوان حمایت از کسب و کارها یک دستور کار همیشگی برای نظام سیاست‌گذاری اقتصادی است و تنها به دوره جنگ اختصاص ندارد؛ چرا که در دوره غیر جنگ نیز مسئله اصلی ما بخش تولید است. اساساً مهم‌ترین متغیر، شاخص و موضوع برای اقتصاد، مسئله تولید است. ما می‌توانیم اقتصاد را به تولید، تولید را به صنعت و صنعت را به صنایع خاص و هدف تقلیل دهیم. وقتی از تولید در شرایط جنگ صحبت می‌کنیم، ابتدا باید دقیقاً بدانیم تولید ما در چه وضعیتی قرار دارد تا بتوانیم برای حمایت از آن برنامه‌ریزی کنیم.

حملات هدفمند به شریان‌های انرژی و غول‌های فولادی

یکی از استراتژی‌های شناخته شده در جنگ‌های مدرن، از بین بردن زیرساخت‌های تأمین انرژی (Utility) و صنایع مادر است. تا از این طریق، فلج شدن شبکه‌ای در تمام صنایع پایین‌دستی رخ دهد. یوتیلیتی‌ها شامل واحدهای تأمین‌کننده برق، بخار، آب صنعتی و اکسیژن هستند که بدون آن‌ها ماشین‌الات صنعتی قادر به کار نخواهند بود.

درودیان با اشاره به آسیب‌های فیزیکی مستقیم به صنایع کشور افزود: اگر فرض کنیم این روند ادامه پیدا نمی‌کند، باید دید جنگ چه تبعاتی بر کسب‌وکارهای ما داشته است. شاخص‌ترین آسیب فیزیکی، ضربه به زیرساخت تولید گاز در پارس جنوبی بود که موجب کاهش قابل توجه تولید گاز شده است. آسیب فیزیکی مهم دیگر، بمباران دو شرکت مهم فولادی یعنی فولاد مبارکه و فولاد خوزستان بود. فولاد مبارکه به تنهایی سالانه ۷ میلیارد دلار فروش داشت. این شرکت‌ها تولیدکننده اسلب و ورق بودند و در زنجیره تولید کشور اهمیت استراتژیک داشتند.

وی در تشریح هدف قرار گرفتن متمرکز تأمین‌کنندگان انرژی (یوتیلیتی) در قطب‌های پتروشیمی گفت: بالای ۸۰ درصد صنایع پتروشیمی ما در دو منطقه عسלוویه و ماهشهر مستقر هستند. تأمین یوتیلیتی در این مناطق به صورت متمرکز انجام می‌شود؛ مانند شرکت فجر در ماهشهر و شرکت‌های مبین و دماوند در عسلوویه (متعلق به هلدینگ خلیج فارس). بر خلاف سایر پتروشیمی‌های کشور که خودشان برق و یوتیلیتی را تولید می‌کنند، این تمرکز باعث شد تا حمله دشمن به این سه شرکت اصلی، خسارت اقتصادی عظیمی به بار آورد و تعداد قابل توجهی از صنایع از دور خارج شوند. علاوه بر این، شرکت‌های پتروشیمی مهمی نظیر جم، شیراز، تبریز، بوعلی، پالایشگاه لاوان و انبارهای پالایش نفت تهران نیز به صورت مستقیم هدف قرار گرفتند.

اثر دومینوار؛ توقف تولید در صنایع پایین‌دستی

در علم اقتصاد صنعتی، اختلال در صنایع بالادستی (مانند پتروشیمی و فولاد) به دلیل پیوندهای پیشین، بلافاصله منجر به بحران تأمین مواد اولیه در صنایع پایین‌دستی می‌شود. این پدیده به عنوان اثر سرریز منفی یا اختلال در زنجیره تأمین شناخته می‌شود.

عضو هیئت علمی پژوهشکده امور اقتصادی در این باره توضیح می‌دهد: جنبه دیگر، آسیب‌های غیرمستقیم است. شرکت‌های پتروشیمی در ماهشهر و عسلوویه با وجود اینکه سالم هستند، اما به دلیل عدم تأمین یوتیلیتی (گاز، برق، بخار یا اکسیژن) قادر به تولید نیستند. در نتیجه، صنایع وسیع زنجیره پتروشیمی که مصرف‌کننده پلاستیک و چسب هستند، کاملاً تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند؛ از جمله صنایع خودرو، لوازم خانگی، ساختمان، مبلمان، کفش، کیف و حتی صنایع غذایی (به دلیل آسیب جدی به تولید بطری‌های بسته‌بندی).

وی در خصوص بحران در زنجیره فولاد افزود: صنایعی که به ورق فولادی نیازمند بودند، مانند خودرو و لوازم خانگی، به شدت دچار مشکل می‌شوند. ما در زمینه میلگرد و تیرآهن ظرفیت مزاد داشتیم و مشکل خاصی نداریم، اما در زمینه ورق که محصولی حساس است، نیازمند واردات (احتمالاً از چین یا روسیه) خواهیم شد. البته پروژه توسعه آهن و فولاد گل‌گهر به عنوان یکی از اولویت‌های حمایتی در دستور کار است که می‌تواند حدود ۳ میلیون تن ورق وارد مدار کند. هرچند این رقم در برابر تولید ۷ میلیون تن فولاد مبارکه کمتر است، اما می‌تواند تا حدی کمک‌کننده باشد.

مخالفت با قطعنامه‌سازی در نهاد تخصصی غذا



حق دفاع مشروع استوار است. کیانی‌راد به صراحت اعلام کرد که حملات تلافی‌جویانه ایران دقیقاً به همان تأسیساتی محدود بوده که مهاجمان از آن استفاده کرده‌اند، نه بیشتر. بنابراین گزارش سخنانی علی کیانی‌راد در فائو را باید فراتر از یک اعتراض دیپلماتیک ساده دانست. این سخنان نقشه راه جدید دیپلماسی منطقه‌ای ایران را ترسیم می‌کند.

نخست، شکستن تابوی سکوت در مورد همکاری نظامی همسایگان با دشمن. دوم، تضمین امنیت غذایی جهان به شرط عدم خصومت همسایگان. سوم، مقاومت در برابر سیاسی‌سازی نهادهای تخصصی بین‌المللی.

در نهایت، پیام تهران به برخی پایتخت‌های عربی حاشیه خلیج فارس روشن است: امنیت تنگه هرمز و امنیت غذایی منطقه در گرو اخراج نیروهای بیگانه و توقف پروژه ایران‌هراسی در سازمان‌های بین‌المللی است. در غیر این صورت، ایران به عنوان بازیگری که داستان را از ابتدا به خاطر دارد، در مقاطع حساس بعدی، تصمیمات متفاوتی در قبال شرکای غیرقابل اعتماد خود خواهد گرفت.

تحلیل رفتار برخی کشورهای عربی در این نشست نشان می‌دهد که آنها به دنبال استفاده از هر بستر بین‌المللی، حتی حوزه تخصصی امنیت غذایی، برای اعمال فشار سیاسی بر ایران هستند.

نماینده ایران با استناد به اصل بی‌طرفی اساسنامه فائو، این اقدام را مسیری خطرناک خواند که می‌تواند کارکرد فنی و بشردوستانه این سازمان را فلج کند. این موضع‌گیری هوشمندانه تهران را در جایگاه مدافع چندجانبه‌گرایی فنی و مخالف یکجانبه‌گرایی سیاسی قرار می‌دهد.

روایت جنگ از ابتدا یا از میانه؟

جمله پایانی و کلیدی کیانی‌راد درخواست از همسایگان برای روایت داستان جنگ از ابتدا بود.

این یک فراخوان صریح برای شفاف‌سازی است. ایران می‌گوید اگر قرار است درباره «پاسخ» ایران صحبت شود، ابتدا باید درباره «حمله»‌ای صحبت شود که از پایگاه‌های نظامی در منطقه علیه مردم ایران صورت گرفت. این استراتژی دیپلماتیک بر مبنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد یعنی

■ نماینده ایران در فائو روز گذشته در اجلاس کنفرانس منطقه خاور نزدیک در مقر فائو در رم با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل، پاسخ به اتهامات کشورهای عربی را داد و تأکید کرد: ایران فراموش نمی‌کند چه کسانی خاک خود را برای قتل عام دانش‌آموزان میناب در اختیار بیگانگان گذاشتند.

در حالی که گرد و غبار جنگ اخیر در خاورمیانه هنوز فرونشسته، صحنه دیپلماسی چندجانبه در سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در رم به میدان جدیدی برای تسویه حساب‌های سیاسی تبدیل شده است. علی کیانی‌راد، سفیر و نماینده دائم ایران در فائو، در سخنانی صریح و بی‌سابقه، پرده از تلاش برخی کشورهای عربی برای سیاسی‌سازی یک نهاد تخصصی کشاورزی برداشت و همزمان، روایت رسمی تهران از امنیت تنگه هرمز و مفهوم دفاع مشروع را در برابر اتهامات مطرح شده در بیانیه پایانی نشست وزیران کشاورزی خاور نزدیک تشریح کرد.

حمله از پایگاه همسایگان؛ چالش جدید «برادری مسلمان»

محور اصلی پاسخ کیانی‌راد، اشاره به تناقض رفتاری برخی همسایگان جنوبی ایران بود. وی با طرح این سوال کلیدی که چرا کویت و امارات خاک خود را برای حمله به ایران در اختیار بیگانه گذاشتند، با صراحت به خاطر تسهیل حمله به زیرساخت‌های ایران اعتراض کرد. این بخش از اظهارات سفیر ایران حاوی یک پیام راهبردی مهم است: تغییر معادله امنیتی در خلیج فارس. تهران به صراحت اعلام می‌کند که دیگر میان «دشمن مستقیم» و «میزبان دشمن» تفاوتی قائل نیست. اشاره به فاجعه شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز در میناب در این بستر، اهرم اخلاقی و عاطفی تهران برای محکوم کردن سکوت کشورهای عربی در قبال جنایات جنگی است.

تنگه هرمز؛ از تضمین امنیت تا هشدار به آمریکا

کیانی‌راد در بخش راهبردی دیگر سخنان خود، ضمن یادآوری حاکمیت ایران بر تنگه هرمز بر اساس قوانین بین‌المللی، تأکید کرد که امنیت عبور کشتی‌های حامل امنیت غذایی برقرار است، البته این روزها آمریکا اقداماتی برای مسدود کردن تنگه هرمز از سوی آمریکا انجام می‌دهد.

این جمله حاوی چند لایه تحلیل است. لایه اول اشاره به حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای دارد که با گشت‌زنی در تنگه، خود عامل بی‌ثباتی هستند. لایه دوم شامل نقش ایران به عنوان نگهبان تاریخی آبراه است؛ به این معنا که اگر اختلالی در عبور و مرور رخ دهد، ناشی از اقدامات آمریکاست و نه نیروهای ایرانی.

لایه سوم نیز تفکیک قائل شدن میان دشمن و کشورهای بی‌طرف است. ایران تضمین می‌دهد کشتی‌های کشورهایی که خاک خود را در اختیار دشمن نگذاشته‌اند، در امان هستند. این یک سیاست «هویج و چماق» آشکار در دیپلماسی دریایی است.

تلاش برای انحراف فائو؛ مخالفت با قطعنامه‌سازی در نهاد تخصصی غذا

جنبه دیگر این جدال دیپلماتیک، تلاش برای گنجاندن بندهای سیاسی

جنبه دیگر وزرای کشاورزی منطقه خاور نزدیک است. کیانی‌راد با لحنی قاطع هشدار داد: فائو، شورای امنیت نیست.

نیم‌شب: دگرگونی نوآورانه همبستگی ملی



«نیم شب» در سبک فیلمسازی محبوب مهدویان ساخته شده است؛ مستندگونه و داستانی مانند دیگر فیلم‌هایش. شاید تنها «خرم کاری» باشد که شباهت زیادی از نظر شکلی با آثار دیگر او ندارد. مستندگونه در واقع نزدیک ترین شکل به واقعیت و واقعگرایی است. فرمی که می‌تواند چشم را به واقعیت بیشتر نزدیک کند تا دیگر اشکال سینمایی. و همین یک نکته مهم دارد: سینمای داستانی مستندی ناخواسته تا حد قابل توجهی از محتوا و مضمون فاصله می‌گیرد. زیرا در حال بیان واقعیت به صورت عینی و همانطور که هست می‌باشد و از دخل و تصرف و رنگ بخشیدن به آن پرهیز می‌کند. همچنین تا حدی داستان گویی به شکل کلاسیک، خطی، با فراز و فرود، گره و تعلیق. البته مهنویان در آثارش همیشه داستان، گره و دیگر عناصر قصه‌گویی مرسوم را دارد زیرا قرار است برای عموم مردم آن هم روی پرده بزرگ در سالن سینما داستانی را به تماشا بگذارد و این کار لازماش رعایت قواعد سینما است و سینما یعنی داستان.

با این اوصاف فیلم تازه سازنده آثاری مانند «اجرای نیمروز» و «ایستاده در غبار»، اینبار کاملاً در عین سبک مستندگونه‌اش محتوا و حرف روشن و عیانی دارد. محتوایی که او را حتی در شبی که نشست خبری جنجالی‌اش برگزار شد، به شعاری بدون برچسب خورد و البته او به خوبی جواب داد؛ از بس که شعار نادیدم مردم ما ایران را نمی‌شناسند، او به خوبی جواب داد، گفت که فیلمش شعار با افتخاری به نام وطن دوستی دارد و با بیان و زبان فیلمش هم گفت که سازنده و کلیشه‌ای نیست.

قرار نیست مدام در فیلم حرف‌های گل‌درشت بزینم و با نمادگرایی یک کلیپ حسی بسازیم. فیلم او یک رئالیسم ملی است و برای چنین نگاهی نمی‌توان ملی‌گرا نبود و از امدادگران، نیروهای مسلح، مردم مبارز، حس و حال جمعی و اتحاد مردم در مقابل دشمن نگفت



تأثیر تکریم فرزند

تکریم فرزند یکی از بنیادی‌ترین رفتارهای تربیتی است که مستقیماً بر هویت، اعتمادبه‌نفس و توازن روانی او در سال‌های بعدی زندگی اثر می‌گذارد. کودک در سال‌های ابتدایی عمر، خود را از نگاه والدین تعریف می‌کند؛ یعنی هرگونه احترام، محبت و ارزشی که از سوی والدین دریافت می‌کند، مانند آینه‌ای پایدار در شخصیتش نقش می‌بندد. به همین دلیل، تکریم فرزند تنها یک رفتار اخلاقی نیست؛ بلکه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای ساختن انسانی متعادل، باوقار و توانمند در آینده است.

تکریم فرزند، قبل از هر چیز، یعنی دیدن و شنیدن او. کودکی که احساس کند حرف‌هایش ارزش دارد، کنجکاوی‌اش محترم است و احساساتش جدی گرفته می‌شود، یاد می‌گیرد که خودش را موجودی ارزشمند بداند. این ارزشمندی اولیه، پایه‌ای برای اعتمادبه‌نفس سالم است؛ نه اعتمادبه‌نفسِ کاذب و نه احساس حقارت.

یکی از روش‌های مهم تکریم، استفاده از گفتار محترمانه است. والدینی که با فرزند خود با ادب و آرامش صحبت می‌کنند حتی هنگام تذکر دادن، در واقع به او می‌آموزند که شأن انسانی زبانش را چگونه حفظ کند. چنین کودکی بعدها در مقابل دیگران نیز به همین شیوه رفتار خواهد کرد و به‌صورت طبیعی احترام اجتماعی دریافت می‌کند.

تکریم فرزند به معنای برآوردن بی‌حد و مرز خواسته‌ها نیست؛ بلکه یعنی مرزداشتن همراه با محبت. کودک وقتی مرزها را از والدینی می‌پرهیزان و محترم می‌بیند، می‌آموزد که نظم، قانون و مسئولیت‌پذیری با تحقیر و خشونت متفاوت است. او می‌فهمد که محدودیت‌ها بخشی از تربیت هستند، نه بخشی از بی‌ارزشی او. محبت بدنی و عاطفی مانند بغل کردن، نوازش، تشویق لفظی، و توجه کامل به او، از مهم‌ترین نمودهای تکریم‌اند. این رفتارها باعث ایجاد دل‌بستگی ایمن می‌شوند؛ دل‌بستگی‌ای که تحقیقات فراوان نشان داده‌اند در آینده زمینه‌ساز عملکرد بهتر در روابط عاطفی، اجتماعی و حتی شغلی است.

تکریم فرزند اثر مستقیمی بر شکل‌گیری عزت‌نفس دارد. کودکی که مورد احترام قرار می‌گیرد، در نوجوانی و بزرگسالی کمتر دچار ترس از شکست، وابستگی بیمارگونه یا پرخاشگری می‌شود. او در تاملاتش با دیگران، خود را نه برتر می‌بیند و نه فرودست؛ بلکه انسانی باکرامت که حق دارد رشد کند، انتخاب کند و تلاش کند.

بمباران حقیقت توسط اخبار جعلی

■ در تاریخ جنگ‌ها همواره نشانه خطر با صدا و آتش شناخته شده است. انفجار، ویرانی و تلفات انسانی تصویری آشنا از خشونت به دست می‌دهد. اما جهان معاصر گونه‌ای تازه از تخریب را تجربه می‌کند: تخریبی که نه با انفجار بلکه با روایت آغاز می‌شود. در این نوع نبرد آنچه هدف قرار می‌گیرد شهر و زیرساخت نیست بلکه قوه تشخیص یک ملت است و خبر جعلی در چنین وضعی به ابزاری بدل می‌شود که آرام و بی صدا بنیان فهم مشترک جامعه را فرسوده میکند و اگر بمب هسته‌ای نقطه‌ای را نابود میکند خبر جعلی توان آن دارد که میدان داوری یک جامعه را به تدریج از درون تهی سازد. جامعه انسانی تنها با قدرت سخت دوام نمی‌آورد و آنچه ملتها را در لحظه‌های دشوار حفظ می‌کند شبکه‌ای از اعتماد شناختی است، یعنی اطمینان عمومی به اینکه واقعیت قابل فهم است و تصمیم جمعی میتواند بر پایه داده‌هایی نسبتاً معتبر شکل گیرد و هنگامی که این اعتماد آسیب ببیند حتی قدرتمندترین ساختارهای سیاسی و اقتصادی نیز در معرض تزلزل قرار می‌گیرد و خبر جعلی دقیقاً در همین نقطه عمل میکند و هدف آن صرفاً انتشار یک دروغ نیست بلکه تخریب امکان تشخیص حقیقت است.

در جنگ شناختی مقصود این نیست که مخاطب به یک روایت خاص ایمان یابد بلکه کافی است آن قدر روایت‌های متناقض ببیند که اساساً به امکان شناخت حقیقت بدگمان شود و از این منظر خبر جعلی نوعی خشونت معرفتی است. خشونتی که نه بدن بلکه عقل جمعی را به هدف می‌گیرد. وقتی سیلی از اطلاعات متناقض با شدت هیچانی بالا در فضای رسانه‌ای جریان پیدا میکند ذهن اجتماعی دچار نوعی فرسودگی شناختی می‌شود و در چنین وضعی مردم به جای جستجوی حقیقت به دنبال کاهش اضطراب خود می‌روند که نتیجه آن این است که جامعه به سمت واکنش‌های احساسی، قضاوت-های عجولانه و تصمیم‌های پرهزینه سوق داده میشود که این دقیقاً همان نقطه‌ای است که عملیات شناختی به ثمر می‌نشیند.

ظهور هوش مصنوعی این وضعیت را به مرحله‌ای تازه رسانده است. در گذشته جعل خبر نیازمند شبکه‌ای از افراد و منابع گسترده بود اما امروز، فناوری تولید متن، تصویر و ویدیو را به سطحی رسانده که ساخت روایت‌های مصنوعی با کیفیت بالا در زمانی کوتاه ممکن است. ویدیوهای ساختگی، صداهای تقلیدی و تصاویر دستکاری شده مرز میان واقعیت و بازنمایی را باریک کرده است و در چنین شرایطی دشمن میتواند همزمان چند روایت متضاد تولید کند و هر کدام را در



کاملاً واقعی به نظر می‌رسند و بررسی تاریخ انتشار، مکان وقوع، هماهنگی صدا و تصویر و حتی دقت به جزئیاتی مانند سایه‌ها یا نوشته‌های روی تصویر میتواند نشانه‌هایی از دستکاری را آشکار کند. با این همه مهمترین سپر دفاعی در برابر عملیات شناختی یک اصل ساده اما عمیق است و آن آرام سازی تصمیم است. جنگ شناختی بر سرعت و هیجان تکیه دارد و اگر مخاطب پیش از باور یا بازنشر یک خبر اندکی مکث کند و از خود بپرسد این روایت چه احساسی در او ایجاد میکند و چه کسی از انتشار آن سود میبرد بسیاری از زنجیره-های جمل از همان ابتدا متوقف میشود و باید گفت که قدرت یک جامعه تنها در توان نظامی آن خلاصه نمیشود. جامعه‌ای که بتوان تشخیص خود را حفظ کند از درون استوار باقی میماند و خبر جعلی میتواند از بمب خطرناک تر باشد زیرا بمب شهر را ویران میکند اما جعل خبر عقل جمعی را به زوال میکشاند. بازسازی ساختمان‌های ویران شده ممکن است اما بازسازی اعتماد و تشخیص بسیار دشوارتر است، از همین رو در روزگار جنگ شناختی هر شهروند آگاه به اندازه یک سنگر اهمیت دارد و هر مکث مسئولانه گامی در دفاع از حقیقت و انسجام ملی به شمار می‌آید.



گفتمان قرآنی؛ ضرورت دوران بحران

■ دکتر فاطمه محمدی، محقق علوم قرآنی در یادداشتی به بررسی اهمیت گفتمان‌سازی قرآنی در شرایط امروز جهان پرداخته است. متن یادداشت به این شرح است:

تاریخ اسلام گواهی می‌دهد که هرگاه جوامع مؤمن در محاصره تهدیدهای وجودی قرار گرفتند، قرآن به عنوان نقشه راه بقا و پویایی عمل کرده است. در دوران صدر اسلام، وقتی جامعه نوپای مدینه با ائتلاف‌های نظامی، محاصره اقتصادی و جنگ روانی روبه‌رو شد، آیات مربوط به صبر، توکل و وحدت، ستون فقرات مقاومت را شکل دادند. امروز هم در مواجهه با تهاجمات گسترده رژیم صهیونیستی و سیاست‌های خصمانه آمریکا، بازخوانی این آیات قرآن، یک الزام تمدنی است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان در اوج فشار، از فروپاشی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جلوگیری کرد. ماهیت جنگ‌های معاصر دیگر محدود به میدان‌های نظامی نیست، بلکه به عرصه‌های شناختی، رسانه‌ای و روان‌شناختی دشمن گسترش یافته است. در چنین شرایطی، گفتمان قرآنی به مثابه یک لنگرگاه معنوی-راهبردی عمل می‌کند که از دچار شدن جامعه به دو قطبی‌های خطرناک «ترس فلج‌کننده» یا «خشم کور» جلوگیری می‌کند.

آیاتی که بر تدبیر، صبر استراتژیک و پرهیز از شتابزدگی تأکید دارند، دقیقاً همان ابزاری هستند که در برابر عملیات‌های روانی دشمن، ذهنیت عمومی را مصون نگه می‌دارند و از تبدیل بحران‌ها به فرصت‌های خودپرورانگر جلوگیری می‌کنند.

قرآن کریم تنها مجموعه‌ای از دستورات فقهی نیست، بلکه چارچوبی تحلیلی برای فهم ساختار قدرت، عدالت و مقاومت ارائه می‌دهد. وقتی آیاتی مانند «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا أَشْرَطْتُمْ عَنْ قُوَّتِهِ» یا «وَأَنْ تَضَيَّرُوا وَتَتَّبِعُوا لَا يَشْرِكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً» به درستی گفتمان‌سازی شوند، به جامعه می‌آموزند که آمادگی دفاعی باید با علانیت، تقوای راهبردی و پرهیز از انفعال همراه باشد. این نگاه، مقاومت را به یک کنش برنامه‌ریزی‌شده و پایدار تبدیل می‌کند که در بلندمدت، هزینه‌های تهاجم دشمن را به سطحی غیرقابل تحمل افزایش می‌دهد.

در مقایسه با الگوهای مادی‌گرا که بقای جامعه را تنها به شاخص‌های اقتصادی یا نظامی تقلیل می‌دهند، گفتمان قرآنی بعد اخلاقی و معنوی مقاومت را احیا می‌کند.

تجربیات تاریخی نشان داده است که جوامعی که تنها بر محاسبات متمرکزند، در برابر فشارهای فرسایشی و جنگ‌های ترکیبی به سرعت دچار فرسایش انگیزه و تفرقه می‌شوند.

قرآن با پیوند دادن مبارزه به مفاهیمی مانند قسط، کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری جمعی، به شهروندان دلیل می‌دهد که چرا باید ایستادگی کنند، حتی زمانی که موازنه قدرت ظاهراً به نفع دشمن است.

وضعیت ژئوپلیتیک امروز، به ویژه تشدید تهاجمات رژیم صهیونیستی و مداخلات آمریکا در منطقه، آزمون سختی برای تاب‌آوری ملی و تمدنی است. در چنین بزنگاهی، گفتمان‌سازی آیات قرآن یک فعالیت حاشیه‌ای یا تبلیغاتی نیست، بلکه ستون اصلی بازدارندگی نرم و انسجام داخلی به شمار می‌رود.

جامعه‌ای که آیات مقاومت، عدالت و امید را در گفتار روزمره، تحلیل‌های سیاسی و برنامه‌های کلان خود نهادینه کند.

در برابر هرگونه عملیات تغییر رفتار یا تجزیه روانی، به صورت خودکار ایمن می‌شود و می‌تواند مسیر بحران را به سمت بازآفرینی تمدنی هدایت کند.

بهرمندی از این قرآن در راستای مقاومت و همبستگی ملی

یکی از چالش‌های اساسی در مسیر گفتمان‌سازی قرآنی، فاصله میان آموزش‌های سنتی دینی و نیازهای ارتباطی جامعه معاصر است. بسیاری از مفاهیم عمیق قرآنی در قالب‌های تکراری یا صرفاً مناسبتی ارائه می‌شوند و به همین دلیل، ظرفیت تأثیرگذاری آن‌ها در لحظات بحران کاهش می‌یابد. برای این پرس کردن این شکاف، لازم است آیات مرتبط با مقاومت، وحدت و عدالت، با زبانی روشن، مستند به واقعیت‌های میدانی و متناسب با دغدغه‌های مردم بازآفرینی شوند تا از حالت انتزاع خارج شده و به ابزاری برای تصمیم‌گیری روزمره تبدیل شوند.

گفتمان‌سازی موفق زمانی رخ می‌دهد که مخاطب عام، بدون نیاز به تخصص فقهی یا کلامی، بتواند پیام آیه را در رفتار همسایه، تصمیم مدیر محله یا موضع کشور در برابر تحریم‌ها مشاهده کند. این پیوند عینی، قرآن را از کتابخانه‌ها به کف خیابان و اتاق‌های فکر می‌کشاند.

بررسی آیات مشخصی مانند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» یا «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ» که رهبر شهید ما بر آن تأکید کردند، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان آن‌ها را به چارچوبی برای مدیریت بحران‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی تبدیل کرد. در شرایطی که حملات رژیم صهیونیستی و فشارهای آمریکا سعی در ایجاد گسل‌های قومی، مذهبی یا طبقاتی دارند، این آیات می‌توانند به عنوان بنیای همبستگی ملی و پرهیز از بازی‌سازی دشمن عمل کنند. گفتمان‌سازی مؤثر یعنی نشان دادن اینکه اتحاد، یک شعار اخلاقی صرف نیست،

ایران از سیاست‌های کلان خود عقب‌نشینی نمی‌کند



شود، به مجازات‌ها مقرر قانونی خواهد رسید و در این مسیر همانطور که تاکنون انجام گرفته، مماشات و اغماضی وجود نخواهد داشت. قاضی‌القضات خاطرنشان کرد: قطعا در قبال عناصری که جرم‌شان پس از رسیدگی‌های متقن و جامع، به اثبات برسد، به سرعت و بدون پیچ‌وخم‌های اداری، مجازات‌های قانونی اعمال خواهد شد و پیوسته‌های تبیینی نیز توسط مرکز رسانه قوه قضاییه انجام خواهد گرفت تا مردم عزیز ما در چارچوب موازین قانونی، در جریان پرونده‌های مطروحه قرار گیرند.

اموال همکاران و همراهان دشمن توقیف می‌شود

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژهای ضمن تبیین و تشریح ادله ناظر بر اعمال مجازات‌ها مصادره اموال، وفق قانون موسوم به تشدید مجازات جاسوسی، اظهار کرد: دستورات مؤکدی صادر شده تا در قبال آن دسته از همکاران و همراهان دشمن متجاوز که وفق قانون، اموال‌شان توقیف می‌شود، در مرحله‌ی ضبط اموال نیز، توسط مرجع مربوطه، سرعت عمل به خرج داده شود.

رئیس دستگاه قضا در ادامه توصیه‌هایی نیز خطاب به رؤسای کل دادگستری‌ها مطرح کرد و گفت: فرماندهان نظامی شاخص ما از جمله شهید سیهید حاج قاسم سلیمانی، یک ویژگی بارز داشتند و آن این بود که همواره در پیشانی قوای تحت امر خود حرکت می‌کردند و

اصطلاحاً طلایه‌دار بودند؛ همین ویژگی برجسته، باید در رؤسای کل دادگستری‌های ما نیز وجود داشته باشد؛ انتظار ما از شما رؤسای کل، آن است که در عمل به وظایف و تکالیف و پیشبرد امورات محوله، پیش‌تاز و طلایه‌دار باشید تا سرمشق و الگوی نیروهای زیرمجموعه خود قرار گیرید. همچنین شما رؤسای کل، بویژه در شرایط خطیر فعلی، بیشترین راهنمایی‌ها و رهنمون‌ها را در جهت افزایش بهره‌وری و اتقان در امور، به زیرمجموعه و نیروهای تحت امر خود داشته باشید.

رئیس قوه قضاییه در ادامه با تأکید بر ضرورت پیش‌تازی و جلوداری رؤسای کل دادگستری‌ها در پیشبرد امور و هدایت زیرمجموعه بیان داشت: شهید حاج قاسم سلیمانی می‌گفت فرق ما با زنرال‌های کشورهای دیگر این است که آنها به نیروهایشان می‌گویند: بروید، اما ما به نیروهای‌مان می‌گوییم: بایست بدین معنا که فرماندهان نظامی ما در جلو و پیشانی جبهه حرکت می‌کنند؛ رؤسای کل دادگستری‌ها، نیز باید چنین باشند و پیش‌تاز و پیش‌رو در امور باشند. خود شما رؤسای کل دادگستری‌ها به‌عنوان رؤسای شعب اول محاکم تجدیدنظر، نسبت به رسیدگی مجدانه به پرونده‌ها و صدور آراء اهتمام داشته باشید تا زیرمجموعه‌تان نیز انگیزه مضاعف پیدا کند. از سویی دیگر نسبت به هدایت نیروهای خود جهت نحوه برخورد با مراجعان و نحوه رسیدگی به پرونده‌ها نیز بسیار توجه و اهتمام داشته باشید.

محلات حامی سالمندان ومعلولان



ادامه خدمات‌رسانی به افراد دارای معلولیت در بستر محلات مدیرکل سلامت شهرداری تهران در ادامه با اشاره به توجه ویژه این مجموعه به افراد دارای معلولیت در شرایط بحرانی، از تداوم و تقویت خدمات حمایتی برای این گروه خبر داد. وی اظهار کرد: خدمات ما در شرایط بحران صرفاً محدود به یک گروه خاص نیست و در کنار سالمندان، افراد دارای معلولیت نیز به‌صورت ویژه مورد توجه قرار دارند.

در محلات، شناسایی این افراد انجام شده و تلاش کرده‌ایم با استفاده از ظرفیت‌های موجود، خدمات حمایتی و رسیدگی به نیازهای آن‌ها را در اولویت قرار دهیم. مدیرکل سلامت شهرداری تهران افزود: همانند برنامه‌هایی که برای سالمندان در قالب طرح‌های محله‌محور اجرا می‌شود، برای افراد دارای معلولیت نیز اقدامات حمایتی از جمله سرکشی، ارتباط مستمر و تأمین مایحتاج ضروری پیش‌بینی شده است تا در شرایط دشوار، این عزیزان با کمترین مشکل مواجه شوند. وی با تأکید بر نقش مراکز محلی در ارائه این خدمات گفت: س‌سراهای محله و مراکز خدماتی همچنان فعال هستند و بخشی از خدمات خود را به افراد دارای معلولیت اختصاص داده‌اند. همچنین گروه‌های جهادی سازماندهی‌شده در محلات، در کنار سایر مأموریت‌ها، ارائه خدمات به این گروه را نیز دنبال می‌کنند.

صاحب در پایان خاطرنشان کرد: رویکرد ما در مدیریت بحران، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و محله‌محور است و تلاش داریم با تقویت این شبکه‌ها، خدمات حمایتی را به‌صورت گسترده‌تر و مؤثرتر به گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله افراد دارای معلولیت ارائه دهیم.

وی همچنین از اجرای برنامه‌های فرهنگی و نشاط‌آور برای خانواده‌ها و به‌ویژه کودکان خبر داد و افزود: برنامه‌های آموزشی، بازی و سرگرمی در مراکز اقامتی در حال برگزاری است تا بخشی از فشارهای روانی کاهش یابد.

مدیرکل سلامت شهرداری تهران در پایان با اشاره به مناسبیت‌های پیش‌رو خاطرنشان کرد: به مناسبت دهه کرامت و روز دختر، برنامه‌های ویژه‌ای در مراکز اقامتی تدارک دیده شده و برای دختران هم‌مان زیر ۲۷ سال نیز هدایایی در نظر گرفته شده است. هدف ما این است که در کنار ارائه خدمات سلامت، فضایی امیدبخش و آرام برای این عزیزان فراهم شود.

گسترش خدمت با محوریت مددکاری، گردشگری و ورزش

وی با اشاره به توسعه دامنه خدمات این مجموعه در شرایط بحرانی، از اضافه شدن حوزه‌های جدیدی همچون مددکاری، گردشگری و ورزش به سبد خدمات سلامت شهری خبر داد. وی اظهار کرد: در کنار برنامه‌های نشاط‌آور، به‌زودی حوزه مددکاری نیز به خدمات ما افزوده می‌شود و در ادامه، برنامه‌هایی در حوزه گردشگری و ورزش نیز در دستور کار قرار دارد. تلاش ما این است که در قالب یک پروتکل مشخص، امکان استفاده رایگان از مراکز ورزشی شهرداری را برای افرادی که درگیر آسیب‌های ناشی از بحران و جنگ هستند فراهم کنیم. در همین راستا، طرحی سازوکار عادلانه برای بهره‌مندی خانواده‌ها از این امکانات در حال انجام است.

تقویت حمایت‌های محله‌محور از سالمندان تنها

مدیرکل سلامت شهرداری تهران همچنین به برنامه‌های ویژه برای سالمندان اشاره کرد و گفت: در مناطق مختلف شهری، کانون‌های سالمندان فعال هستند و در قالب برنامه‌ای با عنوان «به وقت قدرانی»، سالمندان به‌ویژه افراد تنها و منزوی شناسایی می‌شوند. در شرایط بحرانی، این برنامه‌ها تقویت شده و تلاش کرده‌ایم با برگزاری دیدارها، روبندهای محله‌محور و برنامه‌های تفریحی، این عزیزان را از انزوا خارج کرده و مورد توجه و حمایت قرار دهیم.

وی ادامه داد: در این طرح‌ها علاوه بر سرکشی و ارتباط‌گیری، تأمین نیازهای ضروری سالمندان نیز در دستور کار قرار دارد. این اقدامات پیش از این نیز به‌صورت مستمر در محلات انجام می‌شد اما در دوران بحران با شدت بیشتری دنبال شده است. این خدمات تنها محدود به سالمندان نیست و افراد دارای معلولیت را نیز شامل می‌شود. صاحب با تأکید بر تداوم فعالیت مراکز خدماتی افزود: س‌سراهای محله و مراکز مرتبط همچنان فعال هستند و ارائه خدمات در آن‌ها ادامه دارد. همچنین گروه‌های جهادی که پیش‌تر ساماندهی شده‌اند، همچنان در میدان حضور دارند و با وجود تأثیرپذیری از شرایط بحران، فعالیت آن‌ها متوقف نشده است.

وی خاطرنشان کرد: در شرایط بحرانی، جنس خدمات تغییر می‌کند و ما تلاش کرده‌ایم ضمن تقویت اطلاع‌رسانی و آموزش، از ظرفیت گروه‌های جهادی و مردمی بیشترین بهره را ببریم. نقش شهرداری در این میان، بیشتر پشتیبانی و تأمین زیرساخت‌ها و هماهنگی‌هاست تا خدمات به‌صورت مؤثر و با مشارکت مردم ارائه شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژهای، رئیس عدلیه در ادامه سلسله نشست‌های مستمر خود با مقامات قضایی در مرکز و استان‌ها، طی سخنانی در نشست با جمعی دیگر از رؤسای کل دادگستری استان‌ها، با قدردانی از مجاهدت نیروهای قضایی طی جنگ تحمیلی سوم، اظهار کرد: علی‌رغم خسارات و آسیب‌هایی که در طول جنگ رمضان به برخی از امکانه و مجتمع‌های قضایی وارد آمد، مسئولان و کارکنان قضایی، با مجاهدت و پشتکاری که به خرج دادند، اجازه ندادند امورات قضایی و حقوقی مردم زمین بماند.

رئیس عدلیه تأکید کرد: در ایام جنگ تحمیلی این امکان در قوه قضاییه ایجاد شد که مردم در شهر دیگری پیگیری امورات قضایی خود را داشته باشند، ابلاغ‌ها کاملاً الکترونیکی دریافت می‌شود و صد‌صد اطلاع رسانی پرونده الکترونیکی است.

حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژهای گفت طبق گزارش‌های که به من واصل شده است در ایام جنگ تحویلی سوم ۱۶۷ هزار گواهی عدم سوء پیشینه صادر شده است که ۷۵ درصد آن غیرحضور یوده است و ۱۱ هزار جلسه در ایام جنگ ۴۰ روزه به صورت الکترونیکی برگزار شده است.

رئیس عدلیه افزود: در همین ایام جنگ، تمامی خدمات اظهارنامه، لایحه، دادخواست و شکوائیه در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی از همان مسیر خدمات قضایی (به صورت غیرحضور ی) توسعه داله شد و هفته قبل نسخه آن آماده شد و در همین ایام جنگ ابلاغ‌ها خودکار شد. رئیس قوه قضاییه با اشاره به ضرورت آمادگی کامل همه نیروها و قوا برای مقابله با تجاوزات احتمالی دشمن، بیان داشت: دشمن مستکبر با تمام قوا و تجهیزات، علیه کشور ما یک جنگ وجودی و موجودیتی به راه انداخت، لکن به هیچ یک از اغراض شوم و اهداف پلیدش نائل نشده فلذا این دشمن شکست‌خورده و مغمو، مترصد ضربه‌زمن مجدد به کشور ماست و احتمال اینکه بار دیگر به تجاوز سبعوانه دست بزند، وجود دارد. در اینجا وظیفه و تکلیف همه ما در قوا و بخش‌های مختلف ایجاب می‌کند که با عنایت به تجارب اندوخته، از همه لحاظ و جنبه‌ها در آمادگی کامل و صد‌صدنی باشیم.

اقدام علیه کشتی ایرانی حتما با جواب همراه خواهد بود

رئیس دستگاه قضا به موضوع ادعای آمریکایی‌ها مبنی بر محاصره دریایی ایران نیز گریزی زد و تصریح کرد: اقدام رژیم آمریکا در به اصطلاح محاصره بنادر و سواحل ایران و همچنین تجاوز این رژیم به کشتی تجاری ایرانی در آب‌های دریای عمان، نقض آش‌س و مصداق جنایت جنگی است و ما حتماً پاسخ این شرارت‌های آمریکایی‌ها را خواهیم داد.

رئیس عدلیه با اشاره به نحوه رسیدگی‌ها به پرونده عناصر ضدانیتی، عنوان کرد: پرونده عناصر ضدانیتی و عناصر همکار و همراه با دشمن متجاوز، در مراجع ذی‌صلاح قضایی، با سرعت و دقت در حال رسیدگی است و خطاب به مقامات قضایی ذیربط تأکید شده که در عین رعایت ملکه‌ی عدالت، وفق قانون، با فعالیت تمام در قبال این پرونده‌ها، اقدامات قضایی مقتضی را ترتیب دهند. قانون، مجازات‌های معینی را در قبال این جرائم مقرر داشته است؛ از مصادره اموال تا سلب حیات. قطعا هر متهمی که پس از رسیدگی‌های متقن و جامع، جرمش ثابت



۱۵ هزار واحد مسکونی در منطقه ۴ تهران آسیب دید

سید محمد موسوی شهردار منطقه ۴ تهران با تشریح ابعاد عملیات مدیریت بحران و بازسازی در محله‌های آسیب‌دیده گفت: از نخستین دقیق وقوع حادثه، مدیریت شهری منطقه ۴ با تمام ظرفیت‌های اجرایی، بحران، خدماتی و عمرانی در محل حاضر شده و ستاد میدانی رسیدگی به خسارات تشکیل شد تا روند امداد‌رسانی، پاکسازی و بازسازی با سرعت و نظم انجام شود.

وی با اشاره به گستردگی خسارات وارد شده در برخی محله‌ها افزود: بر اساس ارزیابی‌های میدانی و گریبندی فنی انجام شده، حدود ۱۰ هزار واحد مسکونی در سطح منطقه دچار درجات مختلف آسیب شده‌اند که بخشی از این واحدها با تعمیرات جزئی قابل بهره‌برداری بودند و به همین دلیل عملیات مرمت فوری در دستور کار قرار گرفت و تاکنون بیش از ۴ هزار واحد مسکونی با تلاش شبانه‌روزی نیروهای شهرداری، پیمانکاران و نیروهای داوطلب جهادگر مرمت و تحویل ساکنان شده است.

شهردار منطقه ۴ پایتخت ادامه داد: در کنار اقدامات فوری، بیش از ۱۰ سازنده کلان فعال در حوزه ساخت و ساز منطقه نیز با دعوت مدیریت شهری وارد میدان شدند و با همکاری شهرداری برای نوسازی و ساخت مجدد خانه‌های آسیب‌دیده اعلام آمادگی کردند. این سازندگان اکنون در حال برنامه‌ریزی برای اجرای پروژه‌های نوسازی در نقاطی هستند که نیازمند تخریب و ساخت مجدد هستند تا شهروندان هرچه سریع‌تر بتوانند به خانه‌های ایمن و استاندارد بازگردند.

موسوی با اشاره به یکی از نقاط حادثه‌دیده منطقه گفت: کوچه جاجروی در ناحیه ۲ به دلیل شدت خسارت به یکی از نماندهای این حادثه در منطقه تبدیل شده است. در این کوچه چندین ساختمان مسکونی با اصابت ۴ موشک به شدت تخریب شد و گسترش حادثه به حدی بود که چهار انفجار پیاپی بخش زیادی از خانه‌های مسکونی را دچار خسارت سنگین کرد. در میان ساکنان این کوچه نیز یک خانواده ۱۲ نفره جان خود را از دست دادند و به همین دلیل مردم محله از این نقطه با عنوان کربلای منطقه ۴ یاد می‌کنند.

وی افزود: پس از وقوع حادثه، موج گستردن‌ای از همدلی و مشارکت مردمی شکل گرفت و گروه‌های جهادی از شهرهای مختلف کشور از جمله سبزوار، لرس‌تان، مشهد و چندین استان دیگر به صورت داوطلبانه برای کمک به منطقه آمدند. این گروه‌ها در قالب تیم‌های ۱۲ تا ۴۰ نفره در بخش‌های مختلف عملیاتی مستقر شدند و در حوزه‌هایی مانند بنایی، دیوارچینی، گچ‌کاری، نقاشی، آهنگری، جوشکاری، شیشه‌بری، قالی‌شویی، باربری و خدمات پشتیبانی فعالیت می‌کنند.

شهردار منطقه ۴ با تشریح روند فنی عملیات بازسازی اظهار کرد: در مرحله نخست پس از وقوع حادثه، مهم‌ترین اولویت مدیریت شهری پاکسازی معابر، آواربرداری و تفحص پیکر پاک شهید، جمع‌آوری ضایعات و آوارهای ناشی از خسارات، ایمن‌سازی ساختمان‌های آسیب‌دیده و تأمین مصالح مورد نیاز برای اقدامات فوری بود. پس از آن تیم‌های کارشناسی با حضور با محل، ساختمان‌ها را بر اساس میزان خسارت گریبندی کردند و بر همین اساس هر واحد وارد یکی از مراحل تعمیرات جزئی، پایدارسازی، مقاوم‌سازی، تخریب یا نوسازی شد.

موسوی ادامه داد: در ساختمان‌هایی که امکان بهره‌برداری با تعمیرات سریع وجود داشت، عملیات شیشه‌بری، گچ‌کاری، تعمیر دیوارها، بازسازی تأسیسات، رنگ‌آمیزی و اصلاح بخش‌های آسیب‌دیده انجام شد. در واحدهایی که خسارت بیشتر بود، اقدامات پایدارسازی و مقاوم‌سازی در دستور کار قرار گرفت و در مواردی که ساختمان‌ها به طور کامل غیرقابل سکونت تشخیص داده شدند، روند تخریب و نوسازی با همکاری سازندگان آغاز شد.

وی با تأکید بر همراهی مستمر مدیریت شهری با شهروندان گفت: از همان ساعات اولیه وقوع حادثه، موضوع اسکان شهروندان در دستور کار قرار گرفت و برای خانواده‌هایی که امکان بازگشت سریع به منازل خود را نداشتند، اسکان موقت در هتل‌ها و مراکز اقامتی فراهم شد. همچنین برای افرادی که نیاز به اسکان طولانی‌مدت داشتند، شرایط تأمین محل سکونت و کمک به پرداخت اجاره فراهم شده است تا هیچ خانواده‌ای در این شرایط بدون سرپناه باقی نماند.

شهردار منطقه ۴ همچنین به خدمات حمایتی و روانی ارائه شده به شهروندان اشاره کرد و گفت: در کنار اقدامات عمرانی و خدماتی، تیم‌های روانشناسی مدیریت شهری نیز از همان ابتدا در کنار خانواده‌ها حضور پیدا کردند تا شهروندانی که در این حادثه دچار آسیب روحی شده‌اند بتوانند از خدمات مشاوره و حمایت روانی بهره‌مند شوند.

موسوی در پایان تأکید کرد: مدیریت شهری از ابتدای وقوع این حادثه تا پایان کامل روند بازسازی در کنار مردم خواهد بود و اجازه نخواهد داد هیچ شهروندی در این مسیر تنها بماند. او گفت: حضور گسترده نیروهای شهرداری، سازندگان، پیمانکاران و گروه‌های جهادی نشان داد که در شرایط سخت، همبستگی اجتماعی می‌تواند روند بازگشت زندگی به محله‌ها را سرعت بخشد و این همراهی تا بازگشت کامل آرامش به منطقه ادامه خواهد داشت.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی
تلفن | ۰۲۱۸۱۰۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۶۱۳۴
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | مصمیم - ۴۴۵۸۳۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



خدمت رسانی به معلولان

حمید صاحب مدیرکل سلامت شهرداری تهران با تشریح اقدامات این مجموعه در حوزه آموزش و خدمات سلامت در شرایط بحرانی، از اجرای برنامه‌های گسترده آموزشی، درمانی و حمایتی در سطح شهر و محلات خبر داد.

احترام ما شخصیت می‌سازد

تکریم فرزند یکی از بنیادی‌ترین رفتارهای تربیتی است که مستقیماً بر هویت، اعتماد به نفس و توازن روانی او در سال‌های بعدی زندگی اثر می‌گذارد. کودک در سال‌های ابتدایی عمر، خود را از نگاه والدین تعریف می‌کند.

۷

۶

جایگزینی نخواهیم داشت

میلاد تقوی درباره عدم حضور مومنی مقدم در اردوی تیم ملی والیبال گفت: طبق برنامه ابتدا قرار بود علی فتاحی، عادل غلامی، رحمان محمدی‌راد و غلامرضا مومنی مقدم در کنار تیم ملی زیر نظر پیاتزا در شهرستان نور مازندران از یازدهم اردیبهشت اردوی خود را آغاز کنند تا سرمربی ایتالیایی در اردوی دوم به میزبانی ترکیه تیم را همراهی کند و در نهایت دو دستیار ایرانی خود را برای حضور در لیگ ملت‌ها انتخاب کند. وی گفت: اما در ادامه مومنی مقدم با من تماس گرفت و گفت به دلایل شخصی نمی‌تواند تا پایان اردیبهشت ماه نمی‌تواند در کنار تیم ملی باشد. البته هنوز عدم حضور او قطعی نیست. با توجه به اینکه مومنی مقدم با یک باشگاه داخلی هم قرارداد بسته است و درگیر آن باشگاه هم هست به همین خاطر اعلام کرده که نمی‌تواند در کنار تیم باشد.

رئیس فدراسیون والیبال در مورد جایگزین مومنی مقدم عنوان کرد: همانطور که گفتیم هنوز عدم حضور او در تیم ملی قطعی نیست ولی اگر به هر دلیلی مومنی مقدم نتواند در کنار ما باشد، اردوی تیم ملی با همان سه مربی آغاز می‌شود و در نهایت پس از پایان اردو در مورد دستیاران پیاتزا تصمیم می‌گیرد.

تقوی در مورد برنامه اردوی تیم ملی گفت: فعلاً طبق همان برنامه قبلی پیش می‌رویم. اردوی اول زیر نظر مربیان ایرانی در شمال کشور پیگیری می‌شود و در اردوی دوم در ترکیه پیاتزا و توتولو هم به تیم اضافه می‌شوند. البته اگر شرایط کشور عادی باشد در این صورت پیاتزا به ایران برمی‌گردد و تیم ملی در ایران اردوهای خود را پیگیری می‌کند.



اسکواش ایران در حسرت میزبانی

مسابقات اسکواش قهرمانی آسیا در رده سنی جوانان که قرار بود اردیبهشت‌ماه به میزبانی ایران برگزار شود به دلیل شرایط جنگی از سوی کنفدراسیون اسکواش آسیا به چین واگذار شد.

این در حالی است که ایران پس از ۸ سال موفق به کسب میزبانی این رقابت‌ها شده بود اما فراهم نشدن شرایط لازم موجب از دست رفتن این فرصت شد.

این مسابقات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود چرا که رشته اسکواش به تازگی به جمع رشته‌های المپیک اضافه شده و میزبانی چنین رویدادهایی می‌تواند نقش مهمی در مسیر رشد، توسعه و ارتقای جایگاه این رشته در ایران و سطح آسیا داشته باشد.

گفتنی است که تیم ملی بزرگسالان اسکواش ایران نیز قرار بود در فروردین‌ماه در مسابقات قهرمانی آسیا به میزبانی پاکستان شرکت کند اما این رقابت‌ها نیز به دلیل شرایط جنگی به تعویق افتاده است.



قرار داد برخی فوتبال‌یست‌ها گره می‌خورد!

برای کنترل هزینه‌ها و جلوگیری از ریخت‌وپاش‌های بی‌رویه بوده، اما بسیاری از مدیران باشگاه‌ها این قانون را نادیده گرفته‌اند.

دلخوری مهدی تاج از بی‌انضباطی باشگاه‌ها و حامیان مالی! طبق گفته‌های او، برخی مدیران صرفاً برای حفظ موقعیت مدیریتی خود، به پرداخت‌های خارج از چارچوب و به اصطلاح «زیرمیزی» روی آورده‌اند؛ اقداماتی که اکنون تبعات آن دامن‌گیر باشگاه‌ها شده است. بازیکنان و مربیان لیگ برتری که بخش قابل توجهی از مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند، حالا به دنبال وصول این بدهی‌ها هستند. مطالباتی که به گفته تاج، در بسیاری از موارد فاقد مستندات قانونی است و امکان پیگیری رسمی آن‌ها را با چالش مواجه می‌کند.

دلخوری رئیس فدراسیون فوتبال از مدیران باشگاه‌ها، تنها به موضوع پرداخت‌های غیرشفاف محدود نمی‌شود. او معتقد است اگر باشگاه‌ها از ابتدا به اصول شفافیت مالی پایبند بودند، اکنون با حجم گسترده‌ای از بدهی‌های اثبات‌نشده مواجه نمی‌شدند. از نگاه تاج، در شرایط فعلی، بازیکنان باید تنها بابت نیمه‌تمام ماندن لیگ طلبکار باشند، نه قراردادهایی که خارج از چارچوب قانونی تنظیم شده‌اند.

در مجموع تعلیق لیگ بیست‌وپنجم تنها یک وقفه ورزشی نیست بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق در ساختار اقتصادی و مدیریتی فوتبال است.

رقابت‌های لیگ بیست‌وپنجم فوتبال از نهم اسفندماه سال گذشته، در پی حمله دشمن متخاصم صهیونیستی - آمریکایی، به حالت تعلیق درآمد.

تصمیمی که در ابتدا با هدف حفظ شرایط کلی کشور اتخاذ شد اما در ادامه، به دلیل پیچیدگی‌های متعدد اجرایی و مالی، تداوم پیدا کرد. در همین راستا، سازمان لیگ پس از برگزاری جلسات متعدد با مدیران عامل باشگاه‌ها و بررسی سناریوهای مختلف، در نهایت تصمیم گرفت ادامه مسابقات را به پس از جام جهانی موکول کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل در این تصمیم، عدم همراهی اسپانسرهای مالی و حامیان باشگاه‌ها، به‌ویژه در بخش صنعت بود. بسیاری از این مجموعه‌ها به دلیل آسیب‌های ناشی از شرایط اخیر، توان ادامه حمایت مالی از تیم‌ها را از دست داده‌اند و همین مسئله فشار مضاعفی بر ساختار اقتصادی باشگاه‌ها وارد کرده است.

در این میان، مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال، با ورود مستقیم به موضوع، نسبت به احتمال کناره‌گیری صنایع از تیمداری واکنش تندی نشان داده است. او ضمن درک شرایط به وجود آمده برای صنایع در جریان جنگ رمضان، ریشه این بحران را نه صرفاً در شرایط بیرونی، بلکه در سوءمدیریت باشگاه‌ها و بی‌توجهی به قوانین مالی می‌داند.

به اعتقاد تاج، ابلاغ سقف بودجه در دو فصل اخیر گامی مهم

